

## ابلاغ متن تجدید نظر شده‌ی قانون اساسی / ۱۳۴۸/۰۵/۱۲

اصل ۴۴

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکتها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

## دیدار رئیس و هیات رئیسه و روسای کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی با رهبر انقلاب / ۱۳۸۲/۰۷/۱۸

قوای درخصوص این اصل (۴۴)، ضمن آنکه هرگونه نگرش اقتصاد سرمایه‌داری به خصوصی‌سازی مورد قبول نیست، دولتی کردن همه امور نیز صحیح نمی باشد و خصوصی سازی باید با رعایت نظارت و حاکمیت دولت و با توجه به اصل ۴۳ قانون اساسی انجام گیرد.

## ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی / ۱۳۸۴/۰۲/۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ ابلاغ می‌گردد. لازم است نکاتی را در این زمینه یادآور شوم:

۱- اجرای این سیاست‌ها مستلزم تصویب قوانین جدید و بعضاً تغییراتی در قوانین موجود است؛ لازم است دولت و مجلس محترم در این زمینه با یکدیگر همکاری نمایند.

۲- نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر حسن اجرای این سیاست‌ها با اتخاذ تدابیر لازم و همکاری دستگاه‌های مسوول و ارائه گزارش‌های نظارتی هر سال در وقت معین مورد تاکید است.

۳- در مورد «سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیر دولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی» پس از دریافت گزارش‌ها و مستندات و نظریات مشورتی تفصیلی مجمع راجع به: رابطه خصوصی‌سازی با هر یک از عوامل ذیل اصل ۴۴، نقش عوامل مختلف در ناکارآمدی بعضی از بنگاه‌های دولتی، آثار انتقال هر یک از فعالیت‌های صدر اصل ۴۴ و بنگاه‌های مربوط به بخش‌های غیر دولتی، میزان آمادگی بخش‌های غیر دولتی و ضمانت‌ها و راه‌های اعمال حاکمیت دولت، اتخاذ تصمیم خواهد شد. ان‌شاءالله

سید علی خامنه‌ای

۱ خرداد ۱۳۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

باتوجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳ و به‌منظور:

- شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی.
  - گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تامین عدالت اجتماعی.
  - ارتقا کارآیی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری.
  - افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی.
  - افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی.
  - کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی.
  - افزایش سطح عمومی اشتغال.
  - تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها.
- مقرر می‌گردد:

الف- سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ‌شدن بخش دولتی:

۱- دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالانه حداقل ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند.

با توجه به مسوولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل ۴۴ توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیات وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است.

اداره و تولید محصولات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نیروهای مسلح و امنیتی که جنبه محرمانه دارد، مشمول این حکم نیست.

۲- سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی مجاز است:

۲-۱- صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به‌استثنای نفت و گاز).

- ۲-۲- فعالیت بازرگانی خارجی در چارچوب سیاستهای تجاری و ارزی کشور.
- ۲-۳- بانکداری توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکتهای تعاونی سهامی عام و شرکتهای سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هریک از سهامداران با تصویب قانون.
- ۲-۴- بیمه.
- ۲-۵- تامین نیرو شامل تولید و واردات برق برای مصارف داخلی و صادرات.
- ۲-۶- کلیه امور پست و مخابرات به‌استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی.
- ۲-۷- راه و راه‌آهن.
- ۲-۸- هواپیمایی (حمل و نقل هوایی) و کشتیرانی (حمل‌ونقل دریایی).
- سهم بهینه بخشهای دولتی و غیردولتی در فعالیتهای صدر اصل ۴۴، با توجه به حفظ حاکمیت دولت و استقلال کشور و عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی، طبق قانون تعیین می‌شود.
- ب- سیاستهای کلی بخش تعاونی:
- ۱- افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵٪ تا آخر برنامه پنج‌ساله پنجم.
- ۲- اقدام موثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد.
- ۳- حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها از طریق روشهایی از جمله تخفیف مالیاتی، ارائه تسهیلات اعتباری حمایتی به‌وسیله کلیه موسسات مالی کشور و پرهیز از هرگونه دریافت اضافی دولت از تعاونی‌ها نسبت به بخش خصوصی.
- ۴- رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه.
- ۵- تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت با هدف ارتقا سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور.
- ۶- حمایت دولت از دستیابی تعاونی‌ها به بازار نهایی و اطلاع‌رسانی جامع و عادلانه به این بخش.
- ۷- اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاستگذاری و نظارت بر اجرای قوانین موضوعه و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها.
- ۸- توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و سایر حمایتهای لازم به منظور افزایش کارآمدی و توانمندسازی تعاونی‌ها.
- ۹- انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به نحوی که علاوه بر تعاونیهای متعارف امکان تاسیس تعاونیهای جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معینی که حدود آن را قانون تعیین می‌کند، فراهم شود.
- ۱۰- حمایت دولت از تعاونی‌ها متناسب با تعداد اعضا.
- ۱۱- تاسیس تعاونیهای فراگیر ملی برای تحت پوشش قراردادن سه دهک اول جامعه به‌منظور فقرزدایی.
- ج- سیاستهای کلی توسعه بخشهای غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاههای دولتی: (سیاستهای کلی این بند متعاقباً تعیین و ابلاغ خواهد شد.)
- د - سیاستهای کلی واگذاری:
- ۱- الزامات واگذاری:
- ۱-۱- توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی بر ایفای فعالیتهای گسترده و اداره بنگاههای اقتصادی بزرگ.
- ۱-۲- نظارت و پشتیبانی مراجع ذی‌ربط بعد از واگذاری برای تحقق اهداف واگذاری.
- ۱-۳- استفاده از روشهای معتبر و سالم واگذاری با تاکید بر بورس، تقویت تشکیلات واگذاری، برقراری جریان شفاف اطلاع‌رسانی، ایجاد فرصتهای برابر برای همه، بهره‌گیری از عرضه تدریجی سهام شرکتهای بزرگ در بورس به‌منظور دستیابی به قیمت پایه سهام.
- ۱-۴- ذی‌نفع نبودن دست‌اندرکاران واگذاری و تصمیم‌گیرندگان دولتی در واگذاری‌ها.
- ۱-۵- رعایت سیاستهای کلی بخش تعاونی در واگذاری‌ها.
- ۲- مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری:
- وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاههای دولتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب به‌ترتیب زیر مصرف می‌شود:
- ۲-۱- ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تامین اجتماعی.
- ۲-۲- اختصاص ۳۰٪ از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونیهای فراگیر ملی به منظور فقرزدایی.
- ۲-۳- ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته.
- ۲-۴- اعطای تسهیلات (وجوه اداره شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و بهسازی بنگاههای اقتصادی غیردولتی با اولویت بنگاههای واگذار شده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخشهای غیردولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته.
- ۲-۵- مشارکت شرکتهای دولتی با بخشهای غیردولتی تا سقف ۴۹٪ به‌منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته.
- ۲-۶- تکمیل طرحهای نیمه‌تمام شرکتهای دولتی با رعایت بند الف این‌سیاست‌ها.
- ه - سیاستهای کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار:
- ۱- تداوم اعمال حاکمیت عمومی دولت پس از ورود بخشهای غیردولتی از طریق سیاستگذاری و اجرای قوانین و مقررات و نظارت بویژه در مورد اعمال موازین شرعی و قانونی در بانکهای غیردولتی.
- ۲- جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی.
- ۳- جلوگیری از ایجاد انحصار، توسط بنگاههای اقتصادی غیردولتی از طریق تنظیم و تصویب قوانین و مقررات.

#### بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۸۴/۰۲/۰۸

سعی شود قوانینی که در مجلس می‌گذرد، مستحکم و باثبات باشد. بحمدالله سیاست‌های اصل ۴۴ با ملاحظه‌های جوانب و رعایت آن میانی و اصول، به سه قوه ابلاغ شد؛ این احتیاج دارد به قوانین، شما، هم در کمیسیون‌های اختصاصی و هم بخصوص در مرکز پژوهش‌ها حقیقتاً می‌توانید بر این پایه، طراح نظام اقتصادی باثباتی باشید که قوانین خودش را هم با خود داشته باشد؛ بعضی از قوانین حذف شود و بعضی از قوانین بیاید؛ منتها با یک ساخت مستحکم و پایدار که هر روز

نخواهیم قوانین را وصله‌پینه کنیم. یکی از اشکالات بزرگ این است که قوانین طوری با بی‌دقتی یا عدم مراجعه لازم به مواردی که باید مراجعه کرد، تنظیم شود که اندکی نگذشته، احتیاج به تجدیدنظر پیدا کند و یک مقدار وقت مجلس به تصویب مجدد قانون بگذرد. گفت: یک روز صرف بستن دل شد به این و آن روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت یک روز قانون را درست کنیم، یک روز قانون را رد کنیم و یا تغییر کلی بدهیم؛ این‌طوری نباشد؛ قوانین با ثبات و مستحکم باشد. به نظر من چیزی که در مجلس مهم است، حضور نمایندگان محترم سر پست‌هاست. برخی از نمایندگان محترم به من گفتند تعطیلات مجلس زیاد است؛ درباره‌ی این مساله من نمی‌توانم اظهارنظری بکنم؛ این را هیات رئیسه‌ی محترم باید بررسی کنند؛ لیکن در همان بخشی که غیر تعطیل و وقت کار است، حضور باید منضبط، سر وقت و با رعایت دقیقه و ثانیه باشد؛ هم در داخل صحن مجلس و هم در کمیسیون‌ها. کار کمیسیون‌های تخصصی هم خیلی مهم است. حضور در کمیسیون‌ها، سر وقت در کمیسیون‌ها حاضر شدن، کار کردن، واقعا مطالعه کردن، پیش مطالعه کردن، لوایح را دیدن، طرح‌ها را سنجدن، با افرادی که لازم است مشورت شود، مشورت کردن، حتی مباحثه کردن در داخل مجلس قبل از این‌که انسان به مرحله‌ی تصمیم‌گیری برسد - چه در کمیسیون و چه در صحن مجلس - لازم است.

## ابلاغ سیاست‌های راهبردی و بسیار مهم نظام درباره بند ج اصل چهل و چهار قانون اساسی / ۱۳۸۵/۰۲/۱۱ بسم الله الرحمن الرحيم

بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ا.:

با توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر اجرای عدالت اجتماعی و فقرزدایی در چارچوب چشم انداز ۲۰ ساله کشور

\* تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاستگذاری و هدایت و نظارت

\* توانمند سازی بخشهای خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین المللی

\* آماده سازی بنگاههای داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرایند تدریجی و هدفمند.

\* توسعه سرمایه انسانی دانش پایه و متخصص

\* توسعه و ارتقا استانداردهای ملی و انطباق نظام های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین المللی

\* جهت گیری خصوصی سازی در راستای افزایش کارایی و رقابت پذیری و گسترش مالکیت عمومی و بنا بر پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ا. مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ ابلاغ می گردد.

واگذاری ۸۰٪ از سهام بنگاههای دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخشهای خصوصی شرکتهای تعاونی سهامی عام و بنگاههای عمومی غیردولتی به شرح ذیل مجاز است:

۱- بنگاههای دولتی که در زمینه معادن بزرگ، صنایع بزرگ و صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز) فعال هستند به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت های استخراج و تولید نفت خام و گاز

۲- بانکهای دولتی به استثنای بانک مرکزی ج.ا.ا. بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات

۳- شرکت های بیمه دولتی به استثنای بیمه مرکزی و بیمه ایران

۴- شرکتهای هواپیمایی و کشتیرانی به استثنای سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی

۵- بنگاههای تامین نیرو به استثنای شبکه های اصلی انتقال برق

۶- بنگاههای پستی و مخابراتی به استثنای شبکه های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی

۷- صنایع وابسته به نیروهای مسلح به استثنای تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری به تشخیص فرمانده کل قو

الزامات واگذاری:

الف) قیمت گذاری سهام از طریق بازار بورس انجام می شود

ب) فراخوان عمومی با اطلاع رسانی مناسب جهت ترغیب و تشویق عموم به مشارکت و جلوگیری از ایجاد انحصار و رانت اطلاعاتی صورت پذیرد.

ج) جهت تضمین بازدهی مناسب سهام شرکتهای مشمول واگذاری اصلاحات لازم درخصوص بازار، قیمت گذاری محصولات و مدیریت مناسب براساس قانون تجارت انجام گردد.

د) واگذاری سهام شرکتهای مشمول طرح در قالب شرکتهای مادر تخصصی و شرکت های زیرمجموعه با کارشناسی همه جانبه صورت گیرد.

ه) به منظور اصلاح مدیریت و افزایش بهره‌وری بنگاه‌های مشمول واگذاری با استفاده از ظرفیتهای مدیریتی کشور اقدامات لازم جهت جذب مدیران با تجربه، متخصص و کارآمد انجام پذیرد.

فروش اقساطی حداکثر ۵٪ از سهام شرکتهای مشمول بند ج به مدیران و کارکنان شرکتهای فوق مجاز است.

و) با توجه به ابلاغ بند ج سیاستهای کلی اصل ۴۴ و تغییر وظایف حاکمیتی، دولت موظف است نقش جدید خود در سیاستگذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد ملی را تدوین و اجرا نماید.

ی) تخصیص درصدی از منابع واگذاری جهت حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته در راستای وظایف حاکمیتی مجاز است.

سیدعلی خامنه‌ای ۱۰/۴/۸۵

#### بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

نکنتهی بعدی که من باز مفید میدانم در اینجا عرض بکنم، مسئلهی تصدی‌گری دولت در غیر وظایف حاکمیت است. این از مسائل مهم است. باید حتما تا آنجایی که میتوانیم، در غیر وظایف حکومتی و حاکمیتی، از تصدی‌گری دولت اجتناب کنید؛ بگذارید کار دست مردم باشد. حالا در این مسئلهی اصل چهل و چهار - به اصطلاح این مصوبه‌ای که به عنوان تفسیر و بیان اصل چهل و چهار ارائه شد - بند «ج» آن حالا محل بحث و کلام و ابلاغ است - که حالا ایشان اشاره کردند - اما آن بندهای «الف» و «ب» مصوبه‌ی ما خیلی مهم است؛ آن جلوگیری از ورود دولت در سرمایه‌گذاریهای جدید و تصدی‌گریهای جدید است؛ نه اینکه دست دولت را به کلی کوتاه کنیم؛ اما یک حدودی در آنها مشخص شده است. به این توجه کنید.

#### بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف دانشجویی / ۱۳۸۵/۰۷/۲۵

این که گفته شود در مبارزه با فساد یا اجرای اصل چهل و چهار هیچ کاری انجام نرفته، نه؛ این طوری نیست. کارهای زیادی انجام گرفته و دارد انجام میگردد. من به آنچه که انجام گرفته، قانع نیستم، از مسئولان بالای کشور مرتب سوال میکنم و از آنها میخواهم و مطالبه میکنم. لیکن این به معنای آن نیست که آنها در این جهت حرکت نمیکند، نه؛ واقعا کار دارد انجام میگردد و پیشرفتهای خوبی هم داشته‌اند؛ بخصوص در این یک سال اخیر، واقعا کارهای خوبی انجام گرفته است. البته شما بخواهید؛ شما نگوئید کاری انجام نرفته، اما جدا بخواهید و مطالبه کنید؛ این، آن چیزی است که ما مایلیم.

#### بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی / ۱۳۸۵/۱۱/۲۰

به همتی برادران عزیز خوش‌آمد عرض می‌کنم. بحمدالله همه جمعند؛ فعالان و سیاست‌سازان و سیاست‌گذاران و فعالان عرصه‌ی اقتصادی. من هم عرایض خودم را بدون مقدمه شروع می‌کنم.

در اول خرداد سال ۱۳۸۴ سیاستهای کلی اصل ۴۴ - به استثنای بند «ج» این سیاستها - ابلاغ شد. در حدود یک سال بعد، یعنی ۱۱/۴/۸۵، بند «ج» این سیاستها هم - که مربوط به واگذاری بنگاههای اقتصادی دولتی به بخش خصوصی و تعاونی است - ابلاغ شد. فردای آن روز هم در پاسخ به نامه‌ی رئیس جمهور محترم، مجوز واگذاری درصدی از سهام بنگاههای بند «ج» به مجموعه‌ای که به عنوان «سهام عدالت» قرار شد بین گروههایی از جامعه تقسیم بشود، ابلاغ شد.

از آخرین ابلاغ ما - یعنی ۱۲/۴/۸۵ - تا امروز، ماههای زیادی می‌گذرد و از تاریخ اول ابلاغ، یعنی اول خرداد ۸۴ تا امروز، یک سال و نیم بیشتر می‌گذرد. پیشرفتهای این باب رضایت‌بخش نیست. این را من صریحا به روسای محترم سه قوه در یکی دو ماه قبل از این، گفتم؛ به شما هم که مسئولان رده‌های مختلف پیشرفت این کار در بخشهای مختلف هستید، عرض می‌کنم. حالا چرا این پیشرفتها خوب نیست؟ یا به خاطر اینکه توجه لازم به اهمیت این سیاستها و آنچه که در پس زمینه‌ی ابلاغ این سیاستها دیده شده بود - یعنی یک تحول عظیم اقتصادی در کشور و ابعاد آن - نشده؛ یا به خاطر اینکه از مسئله، برداشتهای مختلفی هست. افراد هر کدامی در دستگاههای مختلف یا حتی در یک دستگاه، از بندهای مختلف این سیاستها و از مقاصد آنها و از نتیجه‌ای که باید بر اجرای آن سیاستها عاید بشود، متفق‌القول نیستند؛ درک واحدی و برداشت واحدی ندارند.

این جلسه برای این است که هم اهمیت این کار از نظر ما به شما برادران عزیز صریحا گفته بشود؛ هم درک و برداشت مشترکی به وجود بیاید و سلاطی گوناگون، راه را بر این اقدام بسیار مهم و ضروری و حیاتی نبندد.

برادران! نتیجه‌ی این جلسه‌ی ما، باید این باشد که ما در نگرشهایمان در مسئله‌ی اقتصاد کشور، در رفتارهایمان و در ساختارهای تشکیلاتی و اداریمان، قوانینمان و قواعد موضوعه‌مان، نقشها و سهمهایی که هر کدام از دستگاهها دارند، باید تغییراتی بدهیم و بر اساس این سیاستگذاری و این سیاستها، آینده‌ی خودمان را شکل بدهیم. این جزو وظایف حتمی همه‌ی دستگاههای کشور است. بودجه بر اساس این سیاستها بایستی تنظیم و تصویب بشود؛ باید فعالیتهای اقتصادی بیرون از بودجه، بر اساس این سیاستها تنظیم بشود. در این زمینه هم مجلس، هم دولت، هم قوه‌ی قضائیه و طائف بسیار مهمی دارند، که باید انجام بدهند.

در درجه‌ی اول ما یک تبیینی بکنیم؛ انگیزه‌های این سیاستها را عرض بکنیم. ما وقتی به وضع خودمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم تحولاتی که از انقلاب اسلامی در کشور ما ناشی شد، تحولات بسیار عظیم و عمیقی است؛ در زمینه‌های فرهنگی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در اثبات هویت ملی، این تحولات، تحولات ۱۸۰ درجه‌ای است و بسیار هم عمیق است. با این حرفها و گفتها و مطالبی که دشمنان ما یک‌جور، بعضی از دوستان بی‌توجه ما یک‌جور بیان می‌کنند، آنچه که به دست آمده، خدشه‌دار هم نمی‌شود؛ خیلی عظیم‌تر از این حرفهاست. لکن صریحا عرض می‌کنم تحولاتی که در زمینه‌ی اقتصادی انجام گرفته، متناسب با تحولات در بخشهای دیگر نیست. ما باید می‌توانستیم یک الگوی موفق‌تری از اقتصاد به دنیا عرضه کنیم.

به طور خلاصه باید ما هم کارآمدی در جهت رشد رونق اقتصاد، هم کارآمدی در جهت تامین عدالت را به دنیا نشان می‌دادیم. البته کارهایی را که شده و می‌دانیم، نمی‌خواهیم انکار کنیم؛ کارهای بسیار مهمی انجام گرفته، لکن به آن سطحی که باید می‌رسیدیم، قطعاً نرسیده‌ایم و این برای ما دردناک است.

ما وقتی به صورت کلان به زمینه‌ی اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو تا پایه‌ی اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه‌ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تامین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هر چه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تامین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود،

اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش برد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی» است. این دو تا باید تامین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم. بنابراین هر دو تا لازم است. شما که متفکر اقتصادی هستید و پایبند به مبانی اسلامی، طرح‌ها را بیابید؛ باید این دو تا در آن طرح تامین بشود. اگر این دو در آن طرح تامین نشد، آن طرح اختلال دارد؛ ایراد دارد.

برای اینکه بتوانیم کشور را از لحاظ ثروت ملی به حد استغنا و بی‌نیازی برسانیم، باید سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی و تولید ثروت در معرض انتخاب همه‌ی آحاد فعال کشور قرار بگیرد؛ یعنی همه باید بتوانند در این زمینه فعالیت کنند. دولت باید از آن حمایت کند؛ قانون باید از آن حمایت کند. خیل عظیم نیروهای جوان و تحصیلکرده و مدیران مجرب و لایق - که بحمدالله در کشور ما هر دو، هم جوانان تحصیلکرده و هم مدیران لایق زیادند - باید بتوانند پروژه‌های بزرگ و فعالیتهای کارآفرین و ثروت‌آفرین کشور را به دست بگیرند؛ اجرا کنند و پیش ببرند؛ باید بتوانند. کشور از لحاظ منابع مادی و از لحاظ منابع انسانی قوی است. تا این جای مطلب، فکر نمی‌کنم کسی بتواند نظر مخالفی را با اتکا به دیدگاههای اسلامی مطرح کند.

نویسندگان قانون اساسی و اصل ۴۴، هم هوشمند بودند، هم منصف؛ به نظر بنده. ما با بیشتر اینها از نزدیک کار کرده بودیم. در محصول کار هم که همین اصل ۴۴، اصل ۴۳ و اینهاست، کاملاً پیداست که اینها هم مردمان هوشمندی بودند، هم مردمان بانصافی بودند. اینها آن چیزی را که از نظرشان به شکل کلی درست هم هست، خط میانه‌ی بین اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد سوسیالیسم شناخته بودند و این را در قالب آن سه محور اصلی مالکیت، در اصل ۴۴ ریختند. مالکیت‌های اختصاصی دولتی، مالکیت تعاونی، و مالکیت بخش خصوصی؛ اینها را تقسیم‌بندی کردند. بعد، در ذیلش برای این، دو سه تا شرط قرار دادند. یکی از شرطها این است که این تقسیم‌بندی با این مصادیق - که مصادیق را ذکر کردم - باید موجب رشد و توسعه‌ی اقتصاد بشود؛ باید مایه‌ی زیان نباشد. یعنی اگر یک روزی مسئولان کشور تشخیص دادند که این تقسیم‌بندی، مایه‌ی زیان است؛ موجب رشد اقتصادی نیست، این قانون دیگر در آن روز، بدین شکل اعتبار ندارد و به شکلی که منطبق بر مصلحت باشد، انطباق دارد. این، هوشمندی و انصاف آنها را می‌رساند.

ما در دهه‌ی اول انقلاب به خاطر مسائل دفاع مقدس و جنگ و گرفتاریهای گوناگون و محاصرات عجیب و غریب اقتصادی و غیره، اقداماتی را کردیم که به مالکیت گسترده‌ی دولت منتهی شد؛ بیش از آن مقداری که در این اصل قانون اساسی ذکر شده بود. البته همان وقتها هم در بسیاری از اینها جای حرف بود. من خودم در بخش عمده‌ی آن دوره رئیس جمهور بودم و با مسئولان اقتصاد دولت و با رئیس دولت و مسئولان اقتصادی مباحثات فراوانی داشتیم، لکن به‌هرحال ضرورتها بر آنها و بر کشور این مسائل را تحمیل کرد و مالکیت دولتی به شکلی فراتر از آنچه که در اصل ۴۴ دیده شده بود، گسترش پیدا کرد، اما در دهه‌ی دوم و سوم، یعنی بعد از جنگ تا امروز، ما نباید با گسترش شرکتهای دولتی غیرضروری - که چند هزار شرکت دولتی وجود دارد که تعداد مهمی از اینها حقیقتاً غیرضروری بودند - موافقت می‌کردیم؛ یعنی تشکیل آنها به وسیله‌ی دولت، یا واگذار نکردن بنگاههای ذیل اصل ۴۴ به مردم، عمل موافق مصلحت نبود.

یکی از وظائفی که ما در اصل ۴۴ و بر اساس قانونی که در شورای انقلاب تصویب کرده بودیم، مسلم بود، این بود که بنگاههای غیر مشمول صدر اصل ۴۴ را کلاً به مردم واگذار کنند. آنجا هم ما یک مصوبه و یک قانونی داشتیم که بند «الف» و «ب» و «ج» و «د» داشت. بند «ج» شرکتهای و بنگاههایی بود که از رژیم گذشته به دولت مقروض بودند. مقرر شده بود که اینها قرضشان را که دادند، شرکت به آنها داده شود، اما این کار را نکردند. من الان یادم هست که در اول ریاست جمهوری، گمان می‌کنم که با استناد به قانون اساسی، به آن هیئتی که شرکتهای بند «ج» را به عناوین مشمول بند «ب» متصل می‌کردند - بند «ب» یک تعداد شرکت بود که باید در اختیار دولت قرار می‌گرفت - اعتراض کردم.

اگر ضرورتهایی هم این کار را در آن دوره ایجاب می‌کرد، نباید دیگر این کارها در دوره‌ی بعد از جنگ، در دهه‌ی دوم و سوم، انجام می‌گرفت؛ نباید بیخود شرکت تولید می‌شد؛ نباید از واگذاری شرکتهای دولتی به مردم، در آن بخشی که قانون اساسی تصریح به آن کرده بود، کوتاهی می‌شد؛ باید می‌دادیم. باید مالکیت دولت را روزبه‌روز کمتر می‌کردیم. این‌طور نشد، بلکه بیشتر و گسترده‌تر شد! و خیلی از درآمدهایی که باید در خدمت تولید، در خدمت گردش صحیح پول در جامعه قرار می‌گرفت، صرف کارهای غیرلازم شد؛ فعالیتهای اسراف‌آمیز، ساختمان‌سازیهای بیخودی، و حتماً به اقتصاد کشور لطمه خورد. به‌هرحال، این کار در این دو دهه نباید انجام می‌گرفت. واقعیت وضع کنونی این است؛ گستره‌ی عظیم مالکیت‌های دولتی، بعضاً برخلاف همان متن موجود اصل ۴۴، و بسیاری هم برخلاف این شرطی که در ذیل اصل ۴۴ آمده.

سند چشم‌انداز هدفهایی را معین کرده، که ما دیدیم با این وضعیت، ما به سند چشم‌انداز و اهداف آن، نخواهیم رسید. سرمایه‌گذارهایی باید انجام بگیرد که طبق محاسباتی که کرده‌اند، رشد آنها باید حدود دوازده درصد در سال باشد. این، خیلی رقم بالایی می‌شود. فقط در بخش نفت محاسبه کردند که در طول ده سال آینده، ۱۷۰ میلیارد دلار باید سرمایه‌گذاری کنیم؛ یعنی سالی ۱۷ میلیارد. دولت قادر است این سرمایه‌گذاری را انجام بدهد؟ اینها خارج از توان دولت است. علاوه‌ی بر همه‌ی اینها، دولت وظائف سنگینی در حوزه‌های راهبردی، در فعالیتهای جدید، سرمایه‌گذارهای فراوان در زمینه‌ی فناوریهای پیشرفته دارد. کارهایی که بخش خصوصی به طور طبیعی انجام نمی‌دهد، اینها را باید دولت انجام بدهد و آینده‌ی کشور متوقف به اینهاست؛ مثل همین مسئله‌ی هسته‌ای.

از طرفی، عین همین نگرانیها در بخش مربوط به عدالت - مسئله‌ی رفع فقر و محرومیت - هم وجود دارد. همین‌طور نگرانی‌ها هست، که قبلاً اشاره کردم. البته امروز شما به تبلیغات خارجیها که نگاه کنید - چه تبلیغات علنی‌شان، چه آنچه که در محاورات سیاسی و دیپلماسی دوجانبه بیان می‌کنند، که شاید این گفتگوها در اختیار بعضی از شماها باشد - می‌بینید می‌خواهند مسئولیت این وضع را به گردن دولت کنونی بیندازند. این، غلط است؛ این‌طور نیست، بلکه در طول سالها بتدریج به وجود آمده؛ کسی هم سونیت نداشته است. روش، روش درست‌ی نبود و به اینجا منتهی شد.

اینها بر روی هم موجب شد که ما مسئله‌ی سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ را مد نظر قرار بدهیم. البته از آن وقتی که بنده به مجمع تشخیص مصلحت - سال ۷۸ به نظر من یا ۷۷ بود - گفتم که روی این مسئله کار نکنند، تا سال ۸۳ که آمد و تا سال ۸۴ که ما ابلاغ کردیم، چند سال طول کشید. سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ - این پنج بندی که ما در این سیاستها قرار داده‌ایم - خلاصه‌اش این است: بند «الف»، بند «ب»، بند «ج»، بند «د»، بند «ه». بعضی از این بندها مثل بند «الف» یا بند «د» به دو بخش تقسیم می‌شود. خلاصه‌ی این سیاستها عبارت است از آزاد شدن دولت از فعالیتهای اقتصادی غیرضروری، باز شدن راه برای حضور حقیقی سرمایه‌گذار در عرصه‌ی اقتصاد کشور، تکیه بر تعاون - شرکتهای تعاونی - و چتر گسترده شرکتهای تعاونی بر روی اقشار ضعیف مردم، پرداختن دولت به آداب و قواعد نقش حاکمیتی، سیاستگذارهای اجرایی و ایفای نقش حاکمیتی و صرف چگونگی مصرف درآمدهای ناشی از این واگذاری در بخشهایی که ذکر شده، و بعد، الزامات دولت در امر واگذاری. این، خلاصه‌ی سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ است.

وقتی مساله‌ی سهام عدالت مطرح شد، ما از این کار استقبال کردیم؛ احساس کردیم اینکه حداقل دو دهک پائین جامعه را از یک سهمی در یک سرمایه‌ی مشغول کار و مشغول تولید و درآمدزا برخوردار کنیم، یک فرصت بسیار مهمی است. گفتیم این سهام را با تخفیف و با امهال بدهند.

البته این سیاستها این‌طور که من شرح دادم، واضح است که به معنای چوب حراج زدن بر ثروت دولت نیست؛ به هیچ‌وجه ما مایل نیستیم و اجازه نمی‌دهیم که ثروتهای دولت که مال مردم است، چوب حراج زده شود و از بین برود؛ نه، این تبدیل این موجودی کم‌بازده و بی‌اثر یا کم‌اثر به یک موجودی پراثر و پیش‌برنده اقتصاد کشور است و البته در کنار این، سوق دادن ثروتهای عمومی، یعنی بیت‌المال، به سمت اقشار محروم است. در بخشهای مختلف، برخی از ابهامات را در ذهنها وارد کردند، یا وارد می‌کنند. بعضی هم با خود من مطرح کردند و گفتند شما با ابلاغ این سیاستها موجب می‌شوید که افرادی دارای ثروتهای بزرگ و سنگین بشوند؛ با این فعالیتهای اقتصادی یک عده ثروتمند می‌شوند. من در جواب آنها گفته‌ام و حالا هم می‌گویم که ثروتمند شدن از راه قانونی و مشروع، از نظر اسلام هیچ اشکالی ندارد. ما هیچ وقت نگفتیم که اگر کسی فعالیت قانونی و مشروع بکند و ثروتی به دست بیاورد، از نظر شرع نامطلوب است. هیچ‌کس این را نگفته و نمی‌گوید؛ افرادی که دین را می‌شناسند و قرآن را می‌شناسند.

دو چیز را با هم نباید مخلوط کرد. یکی، تولید ثروت است. کسی فعالیت کند به شکل صحیحی و ثروت تولید کند. یکی، نحوه تولید و نحوه استفاده است. بخش اول قضیه، چیز مطلوبی است؛ چون هر ثروتی که در جامعه تولید می‌شود، به معنای ثروتمند شدن مجموع جامعه است. بخش دوم که بخش حساس است، این است که چگونگی تولید مورد توجه قرار بگیرد؛ از راههای غیرقانونی، با استفاده از تقلبات و تخلفات نباشد؛ مصرف او، مصرف نامطلوبی از نظر شرع نباشد؛ بتواند مثل خونی در رگهای جامعه جریان پیدا کند؛ صرف در فساد نباشد. این آیهی شریفه را ملاحظه کنید - سورهی قصص، آیات مربوط به قارون - قارون یک نمونهی کامل و یک ثروتمند نامطلوب از نظر اسلام و قرآن و شرع و همه است. از قول قوم قارون، (یا بزرگان و متدینین بنی‌اسرائیل، یا حضرت موسی) قرآن نقل میکند: «قال له قومه» - این حرفها از آدمهای عامی و معمولی نیست؛ بنابراین حرفهای معتبری است؛ علاوه بر اینکه خود قرآن این حرفها را تقریر می‌کند؛ یعنی بیان و اثبات می‌کند - که به او می‌گویند: «و ابتغ فیما اتاک الله دار الآخرة»؛ آنچه که خدا به تو داد، این را وسیله‌ی به دست آوردن آخرت قرار بده. در روایات ما هم هست: «نعم العون الدنیا علی الآخرة»؛ از این ثروت برای آباد کردن آخرت استفاده کن.

توصیهی دوم: «و لا تنس نصیبک من الدنیا»؛ سهم خودت را هم فراموش نکن. خود تو هم سهمی داری، نصیبی داری؛ آن را هم ما نمی‌گوییم که استفاده نکن؛ خودت بهره‌مند نشو از این ثروت؛ نه، بهره‌مند هم بشو؛ مانعی ندارد.

سوم: «و احسن کما احسن الله الیک»؛ خدا به تو این ثروت را داده؛ تو هم وسیله‌ای بشو که بتوانی این ثروت را به دست مردمی که نیازمندند، برسانی. یعنی سهمی از این را به مردم بده.

چهارم: «و لا تبغ الفساد فی الارض»؛ فساد ایجاد نکن. آفت ثروت که باید از آن جلوگیری کرد، ایجاد فساد است. مترف نشو. به او نمی‌گویند ثروت جمع نکن، یا از این ثروتی که داری، برای ازدیاد آن استفاده نکن؛ یا آن را به کار تولید و سازندگی و تجارت زن؛ می‌گویند سواستفاده نکن؛ از این ثروت استفادهی خوب بکن، که بهترین استفاده این است که آخرت را با این آباد کنی. نصیب خودت را هم داشته باش؛ سهم خودت را هم داشته باش. منطق اسلام این است.

شما در کتابها خوانده‌اید، از اهل منبر و خطبا هم زیاد شنیده‌اید که امیرالمومنین اوقاف زیادی دارد. گفت: «لا وقف الا فی ملک». کسی که مالک نباشد، که نمی‌تواند وقف کند. این اوقاف، املاک امیرالمومنین بود. امیرالمومنین این املاک را به ارث که نبرده بود، با کار خودش تولید کرده بود. در آن وضعیت کم آبی، امیرالمومنین چاه می‌زد، آب بیرون می‌آورد، مزرعه درست می‌کرد، آباد می‌کرد، بعد وقف می‌کرد. بعضی از اوقاف امیرالمومنین، قرن‌ها مانده. پیداست چیزهای ریشه‌دار و مهمی بوده است. به‌هرحال، تولید ثروت چیز خوبی است. اگر چنانچه در این تولید ثروت، قصد صرف او برای کار خیر، برای پیشرفت کشور، برای کمک به محرومان باشد، حسنه هم هست، ثواب هم دارد.

اگر از من سوال کنند کسی ثروتی تولید کند برای اینکه بیست نفر یا صد نفر انسان را که زندگی‌شان سرشار از محرومیت است، به نوا برساند، یا مثلاً فرض بفرمایید که پنجاه نفر را که در فلان شهر زندگی می‌کنند و در آرزوی یک بار زیارت قبر مطهر علی‌بن‌موسی‌الرضا در حسرتند و نتوانستند بروند، اینها را با ثروتش به زیارت ببرد، این بهتر است یا با همین پولی که می‌خواهد با آن تولید ثروت کند، ده سال پشت سر هم عمره برود، بنده به طور قطع و یقین و بدون هیچ تردید خواهیم گفت اولی مقدم است. حالا هر سال عمره نرود. تولید ثروت فی‌نفسه ممدوح است؛ اگر با نیت کمک باشد، آن وقت حسنه‌ی الهی هم هست؛ اجر الهی و اخروی هم دارد.

مردم ما اهل خیرند. این واقعیت را نباید نادیده گرفت. مال حالا هم نیست، از سابق هم همین‌طور بوده، حالا هم بیشتر هست. این نهضت مدرسه‌سازی - خیرین مدرسه‌ساز - همین قدر که راه باز می‌شود برای اینکه مردم بیابند و کمک کنند، شما ببینید چقدر مردم کمک می‌کنند. این نهضت درمانگاه‌سازی و بیمارستان‌سازی که از قبل از انقلاب در مشهد راه افتاد؛ الان شاید بهترین بیمارستان مشهد یا یکی از بهترین بیمارستانهای مشهد، بیمارستانی است که با همین پولهای مردم اداره می‌شود و همین خیرین آن را اداره می‌کنند. در جاهای دیگر هم هست. اخیراً چند ماه قبل از این، از شیراز کسانی آمده بودند پیش من که اینها راجع به کارهای بهداشتی و درمانی کارهای بسیار بالارزش و مفیدی انجام داده بودند، که ما توصیه کردیم این را با جاهای دیگر هم در میان بگذارید و انجام دهید. مردم این‌جورند. این کارها را افراد خیر، افراد ثروتمند می‌توانند انجام بدهند. همین جا ما در تهران بیمارستانی داشتیم که شاید مرجع چقدر از مجروحین تظاهرات بود؛ همین بیمارستان بازرگانان. یک عده خیر این کارها را انجام می‌دهند؛ راه می‌اندازند. مردم ما این‌جورند؛ اهل خیرند. و کسانی که حالا اوقافی دارند و این همه وقف، این همه کارهای فی‌سبیل‌الله، اینها ناشی از وجود ثروت افراد است. ما با این بد نیستیم. چرا بیخود در بیرون منعکس بشود که نظام اسلامی و مسئولان کشور، تا کسی بخواهد یک مقدار پول به دست بیاورد، اخماشان را در هم می‌کنند؛ احساس بغض و نفرت نسبت به او می‌کنند. این‌جوری نیست؛ واقعیت این نیست.

این اشکال به نظر ما اشکال واردی نیست. یکی از دوستان نزدیک و بسیار خوب ما به من گفت که می‌گویند این سیاستهای اصل ۴۴ که شما ابلاغ کردید، موجب ثروتمند شدن افراد و وارد شدن سرمایه‌دارها به میدان می‌شود. من گفتم اصلاً ما این سیاستها را ابلاغ کردیم برای اینکه همین کار بشود؛ برای اینکه بیابند وارد میدان بشوند، سرمایه‌گذاری کنند، فعالیت اقتصادی کنند. می‌گویند این‌جوری می‌شود؟ ما اصلاً برای همین ابلاغ کردیم که این کار بشود.

بعضی دیگر این ابهام در ذهنشان هست که این همه راجع به مفاصد اقتصادی گفتید و حرص خوردید و دستور دادید، که بعضی‌اش عمل شده و بعضی‌اش عمل نشده، حالا چطور شما این را می‌گویید؟ من عرض می‌کنم؛ دوستان! اگر مبارزه‌ی با مفاصد اقتصادی به همان صورتی که بنده گفتم، با همان حدیث انجام بگیرد، کمک بسیار مهمی به همین فعالیت اقتصادی و نشاط سالم اقتصادی خواهد کرد. این دو تا مکمل همدند.

همان چند سال پیش که بنده اول‌بار راجع به مفاصد اقتصادی صحبت کردم، بعضی از مسئولان در ذهنشان این بود که ممکن است مشکلاتی ایجاد کند. من گفتم

نه، آن کسانی که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند، خوشحال می‌شوند از اینکه یک عده کلاش و فلاش و کلاهبردار و پشت‌هم‌انداز و قانون‌شکن در میدان نباشند، راه‌ها را نبندند، اینها را بدنام نکنند. ما این دو تا را نه فقط با همدیگر منافی نمی‌دانیم، بلکه بنده اینها را مکمل هم می‌دانم؛ معتقدم که مبارزه با فساد و ریشه‌کنی فساد، بسترساز رقابت سالم اقتصادی است و کمک به همین سیاست‌های اصل ۴۴ است که ابلاغ کردیم. البته برای اینکه فساد در این کار راه پیدا نکند، یک الزاماتی وجود دارد که دولت، مجلس و قوه قضائیه، باید به آنها پایبند باشند. من اجمالا اشاره خواهم کرد:

باید مقررات را شفاف کنند، راه‌ها را کوتاه کنند، پیچ و خمهای اداری را کم کنند. اینکه اختیار یک فعالیت اقتصادی ناگهان برگردد به یک ماموری که پشت فلان میز و در فلان اداره نشسته، که او بتواند بگوید آری یا نه، و سرنوشت یک کار را فراهم بکند، این بزرگترین ضربه است. این مامور در معرض خطر است؛ در معرض لغزش است. باید کاری کرد که این، پیش نیاید. باید قواعد، قوانین و روشها اصلاح شود و بر اساس آنچه که در اینجا هست، تغییر پیدا کند.

این را هم من می‌خواهم جدا به دوستان عرض بکنم که این کار، یعنی اجرای این سیاستها، مخالفان و دشمنانی دارد. چون دشمنانی دارد، پس تلاش در اجرای این سیاستها یک نوع جهاد است. هر تلاشی که در مقابله با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی اسمش جهاد است؛ اگر با اخلاص و درست انجام بگیرد. دشمنانش چه کسانی هستند؟ بعضی از مخالفان نمی‌خواهند با اجرایی شدن این سیاستها، کمبودها برطرف شود. اصلا نمی‌خواهند نظام اسلامی آن شکوفایی و پیشرفت اقتصادی و رونق اقتصادی را داشته باشد. روی فشار اقتصادی بر کشور برنامه‌ریزی کرده‌اند. خارجیا از این قبیلند. الان ببینید، همین‌طور مثل یک گرگ گرسنه‌ای که نشسته و منتظر است که فرصتی پیدا کند و حمله کند، منتظرند بتوانند یک اقدام اقتصادی بکنند. البته از اقدام نظامی و اجتماعی مایوسند؛ خودشان هم می‌گویند که باید فشار اقتصادی بیاوریم. می‌خواهند فشارهای اقتصادی را زیاد کنند. یکی از چیزهایی که می‌تواند این فشارها را کم کند، یا تأثیرش را بسیار کم کند، همین اجرای این سیاستهاست. آنها مایل نیستند این سیاستها اجرا شود. ممکن است در داخل هم دوستان و طرفدارانی داشته باشند. بعضی - که این دیگر مربوط به داخلی‌هاست - در وضع کنونی منافعی دارند؛ ذی‌نفع‌اند و دلشان نمی‌خواهد این وضعیت به هم بخورد. از اینکه اجازه یک مدیر، گردش قلم یک مدیر یا یک مسئول، حالا در هر جا - چه در قوه مجریه، چه در قوه قضائیه، چه در مجلس - توانایی این را داشته باشد که خیلی از این چیزها را جابه‌جا بکند، این را مغتنم می‌شمارند و نمی‌خواهند از بین برود. بنابراین، اینها هم جز مخالفان هستند. حالا بعضی‌ها هم شاید باشند که نخواهند متصدی این کار بزرگ، دولت کنونی باشند. البته این را احتمال می‌دهیم، یقین نداریم.

حالا که اهمیت این کار معلوم شد، آنچه که من عرض می‌کنم این است که همه در این بخش، وظیفه دارند. علت اینکه من با دوستان خواستم صحبت بکنم، همین بود که همه توجه کنند که در بخشهای خودشان اجرای این کار را تسهیل کنند؛ هم در مجلس قوانین و مقرراتی بایستی تدوین شود یا تغییر پیدا کند، هم در بخشهای مختلف دولت بایست مدیران و مسئولان به این کار اهتمام بورزند و با جدیت آن را دنبال کنند. و هم در قوه قضائیه، که ما جلسه‌ای که با آقایان داشتیم، از قوه قضائیه خواستیم که دادگاههای تخصصی برای رسیدگی به این مسائل و دفاع از حقوق مالکیت افراد تشکیل بدهند. هم در این زمینه دادگاه تخصصی لازم است، هم در زمینه مسائل مربوط به مفاسد اقتصادی. در هر دو جا بخشهای تخصصی و دادگاههای تخصصی لازم است که کسانی باشند که با اهتمام کامل مسئله را دنبال کنند. در بخشهای دولتی هم باید همه جدیت داشته باشند و سرعت عمل. البته «سرعت عمل» که می‌گوییم، مردمان شتابزدگی نیست؛ سرعت عمل بدون شتابزدگی. یک مقطعی را مشخص کنند و کارها را پیش ببرند و نتایج کارها را به مسئولان بالاتر گزارش بدهند. ما هم در اینجا از چند ماه پیش یک کارگروهی را تشکیل دادیم برای اینکه در سه قوه موضوع را دنبال کنند. حالا در مجلس هم کمیسیونی برای این کار تشکیل شده، در دولت هم مجموعه‌ای برای این کار هست. باید کار را سرعت بخشند. سرعت بخشیدن به کار منافات ندارد با اینکه کار شتابزده انجام نگیرد؛ یعنی مطالعات را بکنند و اطرافش را هم درست بسنجند؛ با آدمهای صاحب‌نظر مشورت بکنند. این یک وظیفه است که همه باید در کار خودشان جدی باشند.

دوم اینکه همه‌ی بخشهای این سیاستها را مد نظر قرار بدهند. این سیاستها از بند «الف» دارد تا بند «ه». پنج بند است. بند «الف» که خودش دو بخش است؛ یک بخش آزاد کردن دولت از بار سنگین شرکتی است که در ذیل اصل ۴۴ به آن شرکتها اشاره شده؛ یعنی چیزهایی که مربوط به صدر اصل ۴۴ بود و باید خودش را زودتر از اینها خلاص کند. یک بخش دیگر این است که به مردم، به بخشهای خصوصی و تعاونی اجازه داده می‌شود که در مواردی که مشابه صدر اصل ۴۴ هست، سرمایه‌گذاری کنند. بند «ب» مربوط به تعاونی‌هاست و خصوصیتی که مربوط به تعاونی‌هاست، در آن ذکر شده. بند «ج» مربوط به واگذاریهاست؛ یعنی واگذاری همان شرکتی که در صدر اصل ۴۴ آمده؛ با یک استثناهایی. چند استثنا در آنجا ذکر شده. بند «د» باز خودش دو بخش دارد. یک بخش الزامات، که دولت کارهایی را باید انجام بدهد تا این انتقال صحیح انجام بگیرد و تسهیل بشود و بخش خصوصی به این کار رغبت پیدا کند؛ یک بخش هم مربوط به مصارف درآمدهای این است که وقتی به بخش خصوصی یا تعاونی واگذار می‌کنند، ماه‌ها از او و درآمد او که در دولت می‌آید، در کجا مصرف بشود. بند آخر هم که بند «ه» است، مربوط به سیاستهای حاکمیتی دولت است. دولت سیاستهای حاکمیتی خودش را باید حفظ کند، برنامه‌گذاری کند، سیاستگذاری کند، هدایت کند، در یک موارد خاصی سرمایه‌گذاری کند، متمرکز بشود؛ در یک موارد خاصی، از قبیل آنچه که عرض کردیم. همه‌ی این بندها باید با هم مد نظر قرار بگیرد. والا ما بعضی از این بندها را جلو بیندازیم، بعضی از بندها را فراموش کنیم، این عدم تعادل به وجود خواهد آمد و درست نیست.

کار سومی که باید انجام بگیرد که قبلا هم اشاره کردیم، شفاف‌سازی مقررات است. مقررات را بایستی شفاف کرد که جای توجیه و تبدیل و تعبیر و تاویل نباشد. راههای تقلب بسته بشود، جلوی کسانی که اهل سواستفاده از ظواهر قوانین هستند، گرفته شود.

کار دیگری که لازم است انجام بگیرد، اطلاع‌رسانی به مردم است. مردم باید در جریان جزئیات کار قرار بگیرند و بدانند که در کجا می‌توانند فعالیت اقتصادی کنند، کجا می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، چه‌طور می‌توانند در یک تعاونی وارد شوند. غالب مردم بی‌اطلاعتند. سال گذشته وقتی این سیاستها از تلویزیون اعلام شد و گفته شد، بعضی از خواص شنیدند، خوشبخت شدند؛ خوشحال شدند. اغلب مردم که ما می‌دیدیم، اصلا توجه نداشتند که موضوع چیست! باید برای مردم تشریح بشود؛ تبیین بشود؛ بدانند چگونه می‌توانند از کمک دولت استفاده کنند، بخش خصوصی از چه امتیازاتی می‌تواند استفاده کند، دولت چه کمکهایی می‌تواند به او کند؛ چه حمایتی می‌کند، در کجاها می‌تواند وارد بشوند و سرمایه‌گذاری کنند.

کار بعدی مسئله تقنین است که اشاره کردیم که حتما مرکز پژوهشهای مجلس و بخشهای مربوط به این مسئله در مجلس، باید واقعا به قوانینی که لازم است، بپردازند و اینها را تهیه کنند؛ فراهم کنند و با دولت هم همکاری و همفکری کنند.

و آخرین مطلب هم حمایت کامل قضائی از مالکیت‌های قانونی است. به نظر ما اگر چنانچه ان‌شاءالله مسئولان ما همت کنند - که عمدتا در اینجا جمع هستید و روسای محترم سه قوه هم در جریان این نظرات کاملا قرار گرفتند - ان‌شاءالله در ظرف دو سه سال می‌توان نشانه‌های حرکت صحیح و تغییر محسوس را در کشور به چشم دید و ان‌شاءالله به آینده امیدوارتر شد.

با نگاه به حوادث و مسائل جهانی بروشنی درمی‌یابیم که دشمنان ملت ایران درصد آند که دشمنی خود را از دو راه با ملت ایران به تحقق برسانند (آنچه که امروز در دنیا محسوس است این است). یکی، ایجاد تفرقه در میان صفوف ملت؛ از بین بردن یکپارچگی ملت ایران؛ و از دست ملت ایران این نیروی عظیم وحدت را ربودن و آنها را به اختلافات داخلی سرگرم کردن. و دومی، ایجاد مشکلات اقتصادی و تلاش برای توقف ملت ایران در زمینه‌های گوناگون سازندگی کشور و رفاه عمومی خود. این دو، چیزی است که در نقشه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت دشمنان ما به طور محسوس وجود دارد که اگر خود آنها هم بر زبان نیاورده بودند، قابل حدس بود؛ ولی دشمنان ما خودشان هم به هر دو نکته اعتراف کردند.

در سال ۸۶ هم در زمینه تلاش اقتصادی باید همه نیروهای ملی، نیروهای معتقد به آرمانهای بلند ملت ایران، مسئولان کشور، جوانان پرنشاط، دست به دست هم بدهند و تلاش کنند. میدان برای تلاش اقتصادی گسترده است؛ بخصوص با ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی و آنچه که به مسئولان توصیه و به آنها تاکید شد و آنها هم عزم خودشان را نسبت به این قضیه ابراز کردند، میدان تلاش اقتصادی برای مردم گشوده است و راهها باز است. مسئولان باید برای مردم تشریح کنند امکانهایی را که در اختیار مردم وجود دارد و خودشان هم باید تلاش کنند. کشور ما ظرفیت اقتصادی بسیار زیادی دارد و می‌توان برای بنای یک جامعهی برخوردار از رفاه، تلاش و کار کرد.

#### بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

جنگ اقتصادی هم یکی دیگر است. می‌خواهند ملت ایران را از لحاظ مسائل اقتصادی در تنگنا قرار دهند. من عرض می‌کنم میدان برای تحرک اقتصادی ملت ایران باز است. با سیاستهای اصل ۴۴ که ابلاغ شد و دولت هم مجدانه دنبال این است که اینها را تحقق ببخشد و باید هم دنبال کند، میدان کار اقتصادی باز است؛ نه فقط برای افرادی که ثروتمندند، حتی برای آحاد مردم. سال ۸۶ و شاید تا یکی دو سال بعد رویکرد دولت و رویکرد فعالان کشور باید رویکرد اقتصادی باشد. ما می‌توانیم اقتصاد خودمان را شکوفا کنیم. تهدید می‌کنند که تحریم می‌کنیم. تحریم نمی‌تواند به ما ضربه‌ای بزند. مگر تا حالا تحریم نکرده‌اند؟ ما در حال تحریم به انرژی هسته‌ای رسیده‌ایم؛ ما در حال تحریم به پیشرفتهای علمی رسیده‌ایم؛ ما در حال تحریم به این سازندگی‌های وسیع در کشور رسیده‌ایم. تحریم در شرائطی حتی ممکن است به نفع ما تمام شود؛ از این جهت که همت ما را برای تلاش و فعالیت بیشتر کند. رویکرد کشور در سالی که امروز اول آن است، و حتی یکی دو سال بعد، باید رویکرد اقتصادی باشد. از سیاستهای اصل ۴۴ همه باید استفاده کنند. کسانی که توانایی سرمایه‌گذاری دارند، حتی افرادی که می‌توانند سرمایه‌گذاری را با اجتماع و شرکت انجام دهند، اینها راه دارد. آحاد مردم و صنوف مختلف مردم می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند؛ می‌توانند در این راه با یکدیگر شریک شوند و سهیم باشند. علاوه بر سهام عدالتی که تقریباً ده میلیون نفر را شامل می‌شود - که مال دو دهک پائین جامعه است - بقیه آحاد مردم هم می‌توانند از این سیاستها استفاده کنند؛ راه دارد. مسئولین دولتی باید راه‌های مشارکت مردم را در فعالیتهای اقتصادی به آنها بگویند. این سیاستها به معنای تولید ثروت عمومی برای جامعه است. تولید ثروت از نظر اسلامی بی‌مانع است. تولید ثروت با غارت ثروت دیگران فرق دارد. یک وقت کسی به اموال عمومی دست‌درازی می‌کند، یک وقت کسی بی‌قانون و بدون پیروی از قانون به دستاوردهای مادی می‌رسد؛ اینها ممنوع است؛ اما از طریق قانونی، تولید ثروت از نظر شارع مقدس و از نظر اسلام، مطلوب و مستحسن است. ثروت را تولید کنند، منتها در کنارش اسراف نباشد. اسلام به ما می‌گوید ثروت تولید کنید، اما اسراف نکنید. مصرف‌گرایی افراطی مورد قبول اسلام نیست. آنچه که از تولید ثروت به دست می‌آورد، باز همان را وسیله‌ای برای تولید ثروت دیگر بکنید. مال را نه به صورت راکد و نازا دربیابید - که در اسلام اسمش کنز کردن است - نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال، آن را صرف در چیزهای غیر لازم زندگی کنید؛ اما با توجه به اینها، ثروت را برای خودتان تولید کنید. ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است؛ همه از آن سود می‌برند. روح اصل ۴۴ و سیاستهای اصل ۴۴ این است. طوری بشود که منابع درآمدی آحاد مردم، بخصوص طبقات ضعیف، متنوع شود؛ مردم بتوانند گشایشی پیدا کنند؛ این یک گام بلند در راه رفاه عمومی است.

#### بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی / ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

مسئله‌ی نیاز تولید علم به گسترش تحقیق و تقابل و تنافی آن با انحصارات دولتی و حقوق انحصاری شرکتها، حرف کاملاً درستی است که آن را قبول داریم و امید ما این است که با اجرای سیاستهای اصل ۴۴ - که سال گذشته ابلاغ شد - این گره باز بشود. اساساً ورود در میدان تفسیر اصل ۴۴ و توجه به ذیل اصل ۴۴ و اهتمامی که در این زمینه شد و خود بنده وارد این میدان شدم، به خاطر چند نکته و از جمله همین نکته بود. البته این نگرانی هم که دوست قدیمی‌مان بیان کردند که اجرای غلط اصل ۴۴ ممکن است به تکاثر و از قبیل آن بینجامد هم درست است. اگر آن چیزی که ما گفتیم و ما خواستیم و ما دنبال می‌کنیم اجرا بشود، ان‌شاءالله نه آن افراط و نه آن تفریط اتفاق نخواهد افتاد. باید همان‌گونه که مقرر شده و گفته شده است انجام بگیرد و ان‌شاءالله به لطف الهی اینگونه خواهد شد. البته تذکراتی هم فرمودند که من یادداشت کردم و ان‌شاءالله آنها را دنبال می‌کنم.

#### بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۶/۰۶/۰۲

یک مسئله هم مسئله سیاستهای اصل ۴۴ است که حالا به‌طور موردی من این را عرض می‌کنم؛ سیاستهای اصل ۴۴ خیلی مهم است. لایحه‌ای که به مجلس داده شد، نواقصی داشت؛ در مجلس هم بعضی از نواقص آن را برطرف کردند؛ من می‌خواهم توصیه کنم به گونه‌ای رفتار شود که این لایحه با اهداف ذکر شده در این سیاستها تطبیق کند؛ یعنی حقیقتاً این خط غلطی که در سالهایی از اوائل انقلاب به ناحق در امر اقتصاد کشیده شده و همینطور هم ادامه پیدا کرده، این خط را کور کنید و به خط درست بروید! این با مسئله عدالت‌خواهی و آن چیزی که ما در سیاستهای اصل ۴۴ ذکر کردیم، هیچ منافاتی هم ندارد؛ یعنی مسئله عدالت‌خواهی را حتماً در نظر بگیرید؛ منتها اقتصاد کشور باید شکوفا بشود؛ نیروهای مردمی باید به میدان اقتصاد بیایند و کار کنند؛ این هم با حرف و گفتن عملی نمی‌شود، عمل و اقدام لازم دارد و باید حس بشود.

حالا بحث سرمایه‌گذاری مطرح می‌شود؛ یک وقتی این‌جا - چند سال قبل از این - یک جلسه‌ی مفصلی از مسئولین بخشهای مختلف اقتصادی برگزار شد؛ یکی از آقایان حرف خوبی زد؛ گفت: ما به خارجها می‌گوییم بیایند این‌جا سرمایه‌گذاری کنند! خوب خارجها نگاه می‌کنند ببینند سرمایه‌گذارهای داخلی ما در داخل کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند یا نه؟! این و بترین ماست؛ اگر دیدند کسانی در داخل که قدرت سرمایه‌گذاری دارند، در داخل کشور با خیال راحت سرمایه‌گذاری می‌کنند، آن وقت آنها هم تشویق می‌شوند و می‌آیند؛ اما وقتی ببینند اینها خودشان این‌جا سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، خیلی مشکل است که سرمایه‌گذار خارجی را انسان قانع کند که بیا اینجا سرمایه‌گذاری کن تا ما از آن سرمایه‌گذاری تو استفاده کنیم! اینها همه‌اش در سیاستهای اصل ۴۴ مورد توجه قرار گرفته است.

#### بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

یک نکته‌ی دیگر مسئله سیاستهای اصل ۴۴ است. خوب، همه اعتراف دارند که سیاستهای اصل ۴۴ اگر اجرائی بشود، یک تحول در پیشرفت کشور - در زمینه‌های اقتصادی و به تبع او در زمینه‌های دیگر - بوجود می‌آید. این هم مسئله بسیار مهمی است. خوب، حالا آمارهای خوبی داده شد؛ کارهای خوبی هم انجام گرفته. قبل از آن که این قانون اخیر هم تصویب بشود، دولت اقداماتی در این زمینه انجام داده بود، لیکن حالا خوشبختانه قانون هم تصویب شده و در اختیار شماست؛ قوی و کاملاً جدی این سیاستها را دنبال کنید.

#### دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب / ۱۳۸۷/۰۶/۰۷

سیاستهای اصل ۴۴ یک اجتهاد صحیح شرعی بود که قانون هم اجازه آن را داده است و ان‌شاءالله به بهترین وجه و بدون افراط و تفریط اجرا شود.



### بیانات در دیدار روسای سه قوه و مسئولان نظام / ۱۳۸۷/۰۶/۱۹

در مسائل مهم همچون طرح تحول اقتصادی و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴، همکاری سه قوه در عمل و گفتار بسیار ضروری است.

### بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۱۳۸۸/۰۴/۰۲

فرمودید که به سیاستهای ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی توجه است. ببینید، این خودش یک شاخص است. اگر سیاستهای اصل ۴۴ را قبول داریم، فرض کنید قانونی بگذرانیم که با این سیاستها نخواند، چطور این مردود است از نظر شما؟ عین همین مسئله در شکل کلان مربوط به اصل ارزشهای انقلاب است، اصل مبانی انقلاب است. مبانی انقلاب را باید مرور کرد؛ فراموش نکنید. اینی که گفته بشود ما در نظرات امام - فرض بفرمائید حالا تعبیر «تردید» نمیکند، اما حرفهائی میزنند که معنایش همان تردید است - تردید کنیم، این درست نیست. وصیت‌نامه‌ی امام، جمع‌بندی شده‌ی فرمایشات امام (رضوان الله تعالی علیه) مبانی انقلاب ماست، اصول انقلاب ماست. امام مرد بزرگی بود، آگاه بود. اینها را دائماً در نظر داشته باشید. قانون، موضعگیری و حرکت بر این اساس باشد. ممکن است یک نفر یک جور بفهمد، یک نفر یک جور دیگر بفهمد - این اشکالی ندارد - اما باید هدف این باشد، محور این باشد.

### بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت / ۱۳۸۸/۰۶/۱۶

توصیه‌ی چهارم ما، اجرای کامل سیاستهای اصل ۴۴ است. این هم بسیار مهم است. این سیاستهای اصل ۴۴ آن روزی که مطرح شد، همه‌ی دست‌اندرکاران اقتصادی و خیرگان مسائل گوناگون مدیریتی کشور اعتراف کردند، اقرار کردند که اگر چنانچه این کار انجام بگیرد، یک تحول عظیم اقتصادی در کشور انجام خواهد گرفت. خوب، باید این سیاستها به طور کامل اجرا بشود. کارهائی شده، من گزارش‌هایی هم از آقای رئیس جمهور، هم از بعضی از مسئولین دیگر شنفته‌ام، لکن آنچه که انجام گرفته، همه‌ی ظرفیت سیاستهای اصل ۴۴ نیست. یعنی همه که میگوئیم، شاید بخش عمده‌ای از این ظرفیت هنوز بر زمین مانده است. یک چیزهائی باید مدبریت‌های واگذار میشده، نشده؛ یک چیزهائی بایستی دولت از تصدی‌گری در آنها اجتناب میکرده، نشده؛ کارهائی لازم انجام نگرفته. حالا می‌توانیم همین طور که آقای رئیس جمهور اشاره کردند، بگوئیم زیرساختها و ساز و کارها و موجودی در نظام اقتصادی کشور جواب نمیده‌د. پس باید اول این طرح تحول اقتصادی انجام بگیرد. من این را نفی نمیکنم؛ ممکن است همین جور باشد. لیکن اینجور نیست که ما کار را بن بست بدانیم؛ در آن فقل شده بدانیم. نه، بالاخره باید حرکت کرد و پیش رفت. حالا این طرح تحول، لابد یک روزی از مجلس درمی‌آید؛ ممکن است با تغییراتی بیاید؛ ممکن است خصوصاتی در آن لحاظ شده باشد؛ بالاخره باید کار را پیش برد. قوانین هم که زیاد دارید و سیاستهای اصل ۴۴ را باید رصد بکنید، ببینید چقدر واقعا پیش دارد می‌رود. خود دولت، دستگاه ریاست جمهوری، این کار را بکند.

### دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت با رهبر انقلاب / ۱۳۸۸/۰۶/۱۶

نباید منتظر تغییرات اساسی در زیرساختها و تصویب طرح تحول اقتصادی ماند و کار را به بن بست رسیده فرض کرد بلکه باید به هر شکل ممکن، در مسیر اجرای سیاستهای اصل ۴۴ به جلو رفت.

### بیانات در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور / ۱۳۸۹/۰۳/۰۸

پیشرفت مادی کشور در درجه‌ی اول، متوقف بر دو عنصر است: یک عنصر، عنصر علم است؛ یک عنصر، عنصر تولید است. اگر علم نباشد، تولید هم صدمه می‌بیند؛ کشور با علم پیش می‌رود. اگر علم باشد، اما بر اساس این علم و بر بنیاد دانش، تولید تحول و تکامل و افزایش پیدا نکند، باز کشور درجا می‌زند. عیب کار ما در دوران حکومت طواغیت این بود که نه علم داشتیم، و چون علم نبود، نه تولید متکی بر پایه‌ی علم و پیشرونده و رشدیابنده داشتیم. لذا دنیا وقتی وارد میدان صنعت شد، پیش رفت؛ قاره‌ی آسیا که دیرتر از اروپا وارد میدان صنعت شده بود، پیش رفت؛ ولی ما بر اثر حکومت این طواغیت و شرائط گوناگون، عقب ماندیم. اگر می‌خواهیم جبران کنیم - که می‌خواهیم، و ملتمان حرکت هم کرده است و به میزان زیادی پیش هم رفته است - باید به علم و تولید اهمیت بدهیم؛ باید در مراکز علم، در مراکز تحقیق، با شکلهای نو و مدرن پیگیری شود. چند سال است که من روی مسئله‌ی علم تکیه می‌کنم و الحمدلله چرخه‌های پیشرفت علمی و تولید علم در کشور به حرکت درآمده است؛ البته باید باز هم سرعت بگیرد، هنوز اول راهیم.

و دوم، تولید است. تولید، چه در عرصه‌ی صنعت، چه در عرصه‌ی کشاورزی، از اهمیت درجه‌ی اول برخوردار است. کشوری که تولید نداشته باشد، خواهی نخواهی وابسته است. اگر همه‌ی نفت و گاز دنیا هم زیر زمینهای ما و در چاه‌های ما ذخیره شده باشد، به دردمان نمیخورد؛ کم‌اینکه می‌بینید کشورهائی وجود دارند که از لحاظ ذخائر معدنی و طبیعی - چه ذخائر انرژی، چه ذخائر فلزهای بسیار ذکیمت و کمیاب - در کمال ثروتمندی هستند؛ اما خودشان بر روی این زمینی که زیرش این همه گنج خفته است، زندگی نکبت‌بار و فلاکت‌باری دارند. باید تولید در کشور - بخصوص تولید دانش‌بنیان، متکی به دانش و مهارتهای علمی و تجربی - پیش برود؛ این به دست کارگر و کارفرماست. مدیریت آن هم با دولت است؛ بایستی سازماندهی کنند، کار کنند. این سیاستهای اصل ۴۴ که ما چند سال پیش به دستگاه‌های دولتی و قانونگذاری ابلاغ کردیم، میتواند نقش ایفا کند؛ منتها بایستی همه‌ی دقت لازم را در اینجا بکنند.

بشر موجود عجیبی است عزیزان من! گاهی عبادت و نماز شب هم میشود وسیله‌ی نفوذ شیطان، وسیله‌ی فریب نفس خود انسانی که دارد نماز شب میخواند! همه‌ی ایده‌های خوب، همه‌ی فکرهای خوب و شریف میتواند منفذی بشود برای شیطان. سیاستهای اصل ۴۴ خیلی خوب است، خیلی لازم است و حتما باید با گسترش تمام اجرا شود؛ اما مراقب باشند مثل آن نماز شب دام شیطان نشود. از اینجا هم ممکن است شیطانها نفوذ کنند. بارها گفته‌ام؛ آدمهای سواستفاده‌چی، قانوندانهای قانون‌شکن، کسانی که بلدند چه جوری سر مامور و مسئول و رئیس و مرئوس و آدم کوچه و بازار را بیچانند، برای اینکه به یک طعمه‌ای دست پیدا کنند؛ اینها کارخانه را بخرند، بعد به بهانه‌های گوناگون کارخانه را زمینگیر کنند، کارگرها را بیکار کنند؛ بعد از ماشین‌آلات فرسوده‌ی همان کارخانه، پول فروشش را در بیاورند، از زمین آن کارخانه هم به میلیاردها و آلف و الوف برسند؛ از این کارها شده است، میشود؛ باید همه حواسشان جمع باشد.

### بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان / ۱۳۸۹/۰۵/۲۱

یکی از آقایان راجع به مسئله‌ی خصوصی‌سازی فرهنگ و بهداشت نکته‌ای گفتند که به نظر من آن نکته هم درست است. خصوصی‌سازی مربوط به شرکتهای ذیل اصل ۴۴ است، که خوب، یک تعریف مشخصی دارد. به نظر ما مسائل فرهنگی و بهداشتی و اینها، به آن شکل، مشمول این اصل خصوصی‌سازی نمیشود. از طرف مسئولین ذکربط هم مواردی را به من گفته‌اند. به نظر ما این اشکال، اشکال واردی است؛ بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

### بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان / ۱۳۸۹/۰۵/۲۱

بحث مردمی کردن اقتصاد و اصل ۴۴ و اینها مطرح شد. آقایان مدعی‌اند که اصل ۴۴ را خوب دارند اجرا میکنند. البته مخالفینی هستند، اعتراض میکنند - هم در مجلس، هم غیر مجلس - میگویند اصل ۴۴ درست اجرا نشده؛ لیکن خود مسئولین دستگاه‌ها میگویند نه، داریم خوب اجرا میکنیم. به نظر من این هم جزو همان سوالاتی است که خوب است انجام بگیرد و همان مسئولین توی مجامع دانشجویی بیایند و اگر واقعا کاری انجام شده، بگویند و ذهن جوان را قانع کنند؛ اگر هم نمیتوانند قانع کنند، بالاخره بروند یک تجدید نظری در کار انجام بدهند.

### بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۹/۰۶/۰۸

از جمله‌ی چیزهایی که ما در باب مسائل اقتصادی رویش تکیه میکنیم و به عنوان توصیه‌ی جزمی مطرح میکنیم، مسئله‌ی سیاست‌های اصل ۴۴ است. خیلی بایستی به این سیاست‌ها اهتمام ورزید. خوب، حالا در مقایسه‌ی خصوصی‌سازی در سال‌های طولانی گذشته با این چند سال، آماری ذکر میشود؛ این آمار، آمار درستی است؛ منتها آن زمان سیاست‌های اصل ۴۴ ابلاغ نشده بود. یعنی آن زمانی که اصلاً بحث سیاست‌های اصل ۴۴ نبود، آن وقت را نباید ملاحظه کرد؛ بعد که آن سیاست‌ها ابلاغ شد، اصلاً وضع مسئله‌ی اقتصاد عوض شد؛ در واقع حرکت جدیدی در اقتصاد کشور آغاز شد. لذا مقایسه‌ی با قبل از آن دوران، مقایسه‌ی تعیین‌کننده‌ای نیست. در همین دوران، ما بایستی ببینیم در باب اصل ۴۴ چه کار کردیم؛ این مهم است. ببینید، روح اصل ۴۴ هم این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه‌های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه‌ی اقتصاد کنیم. باید سرمایه‌های مردم و مدیریت مردم - بخش خصوصی - وارد عرصه‌ی اقتصاد بشود؛ والا اگر مدیریت دولتی باقی ماند، آن مقصود حاصل نخواهد شد. البته در همان محدوده‌ای که این سیاست‌ها اجازه میدهند و با همان رعایت‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده - که قانون هم قانون دقیقی است، قانون خوبی است - این را باید رعایت کنید.

البته در برخی از سرمایه‌گذاری‌ها بخش خصوصی ناتوان است؛ یعنی واقعا توانایی سرمایه‌گذاری ندارد. خوب، علائح چیست؟ اگر بخش خصوصی همین طور ناتوان بماند، هیچ گرهی باز نخواهد شد؛ باید سیاست‌ها برود به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر اینکه بتواند زیر بار برخی از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ برود. این هم میشود یکی از سیاست‌ها. البته دولت وقتی که شانه‌ی خودش را از فعالیت‌های اقتصادی خالی میکند، معنایش این نیست که از اقتصاد کناره‌گیری؛ نه، سیاست‌گذاری‌ها باز هم در اختیار دولت است، دست دولت است؛ یعنی بایستی سیاست را دولت بگذارد، بایستی نظارت را دولت بکند. در آن سال‌های دهه‌ی ۶۰ که آقایان همین طور به سمت روزه‌روز غلیظتر کردن اقتصاد دولتی میرفتند، من مثال می‌زنم و میگفتم فرض کنید یک موتور است که میتواند این بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور راه می‌روید، یا خودتان پشت فرمان می‌نشینید و هدایتش میکنید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه‌ی باری را که توی این وانت است، خودتان روی دوش گرفتید. هن و هن دارید جلو می‌روید؛ هم نمیرسید، هم خسته میشوید، هم همه‌ی بار حمل نمیشود، هم این موتور اینجا بیکار میماند. این موتور، بخش خصوصی است. این را آن زمان به آنها میگفتیم، اثر هم نمیکرد. امام هم هرچه میگفتند به مردم بدهید، اینها میگفتند مراد از مردم، بخش خصوصی نیست - مراد نظر امام را توجیه میکردند! - مردم یعنی توده‌ی مردم. به توده‌ی مردم چه حوری میشود کمک کرد؟ دولت اقتصاد را در دست بگیرد، به توده‌ی مردم کمک کند. فرمایش امام را اینجوری معنا میکردند! خوب، این توجیه، غلط بود.

الان فضا، فضای دیگری است. همان کسانی که آن زمان آنجور حرف می‌زدند، حالا صد و هشتاد درجه برگشته‌اند؛ یعنی باز هم در حد تعادل قرار ندارند، خط وسط نیستند. آن افراط بود، این طرف هم همانها دارند تقریب میکنند. بالاخره یک خط متعادلی وجود دارد. خط متعادل همین است؛ سرمایه‌ی مردم و مدیریت مردم اقتصاد را بر دوش بگیرد و کنترل و هدایت به عهده‌ی دولت باشد. اگر چنانچه ان‌شاءالله این کار بخوبی انجام بگیرد - که البته در کوتاه‌مدت هم انجام نمیگیرد؛ این جزو کارهای میان‌مدت و بلندمدت است و زحمت هم دارد - واقعا یک فرجی برای اقتصاد کشور خواهد شد.

#### بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور / ۱۳۸۹/۰۶/۱۶

آنچه که من از مجموع این مطالب آقایان و خانم که صحبت کردند، میفهمم - که در گزارشها هم همین را انسان احساس میکند - گله‌گذاری‌هایی از جریان امور کار وجود دارد. ما البته سنگ بنای اصلی را با سیاست‌های اصل ۴۴ گذاشتیم؛ یعنی حقیقتاً اگر سیاست‌های اصل ۴۴ که خود آن اصل، مفسر مواد این اصل هست، ما از خود اصل استفاده کردیم و آنچه را که در سیاست‌های اصل ۴۴ هست، تبیین کردیم و اگر این، ان‌شاءالله به طور کامل، دقیق، همه‌جانبه، مستمر اجرا بشود، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

#### ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «تشویق سرمایه‌گذاری» / ۱۳۸۹/۱۱/۲۹

تقویت و حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در فعالیت‌های اقتصادی کشور برابر با سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۰/۰۵/۱۹

در مورد اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ از من پرسیده‌اند که نظر شما چیست؛ آیا اجرا شده یا نه؟ خوب، اگر بخواهیم تفصیلاً حرف بزنیم، این که نمیشود. هر کدام از این فصول و بخشها یک شرحی دارد؛ اما اگر بخواهیم اجمالاً بگوئیم، باید عرض کنیم که کارهای خوبی انجام گرفته. البته نه اینکه به تمام معنا کامل باشد، راضی کننده باشد؛ نه، نواقصی هم هست؛ لیکن حرکتی هم انجام گرفته. خوب، مسئولین رسمی کشور گزارش‌هایی هم دارند میدهند؛ به این گزارشها با چشم حسن‌ظن باید نگاه کرد؛ یعنی نباید بنا را بر این گذاشت که هرچه مسئولین می‌آیند میگویند، دروغ و درم و خلاف واقع است؛ نه، دارند گزارش میدهند. اصل را باید بر این گذاشت که گزارشها گزارش‌های واقعی است؛ ولو حالا ممکن است در آن یک مقداری مبالغه و اغراق یا ندیدن جوانب منفی وجود داشته باشد؛ لیکن غالباً گزارشها درست است. به هر حال نواقصی هست، اقداماتی هم شده.

#### بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور / ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

از دوران بیست ساله‌ی چشم‌انداز - همین طور که اشاره شده - حدود یک چهارم گذشته. یک برنامه، که برنامه‌ی چهارم توسعه باشد، تمام شده؛ امسال سال اول برنامه‌ی پنجمیم. البته در برنامه‌ی چهارم خیلی کارها انجام گرفته. طبق گزارش‌هایی که دادند و شنیدید و این گزارشها درست هم هست، کارهای بسیار مهمی انجام گرفته؛ لیکن در عین حال برخی از کارها هم هست که انجام نگرفته و باید انجام بگیرد. سیاست‌گذاری‌ها درست است. سیاست‌های اعلام شده در حوزه‌ی اصلاح الگوی مصرف، سیاست‌های کلی نظام اداری، سیاست‌های کلی اشتغال و سیاست‌های اصل ۴۴ - اینهایی که ابلاغ شده - همه‌اش با هم هماهنگ است. اگر بتوانیم برنامه را بر طبق این سیاست‌ها تنظیم کنیم و پیش ببریم و در عالم واقعیت تحقق پیدا کند، ما خیلی خواهیم توانست از این ظرفیتی که اشاره کردم، استفاده کنیم. این سیاست‌ها یک انسجامی را به وجود می‌آورد و انسجام لایه‌های مختلف تحرک اقتصادی را تامین میکند.

البته در برنامه‌ی چهارم، برخی از هدف‌هایی که تعیین شده بود، تحقق پیدا نکرد، که عوامل گوناگونی هم داشته؛ هم مسائل داخلی دخالت داشته، هم مسائل خارجی دخالت داشته. مسئله‌ی رشد ۸ درصدی، یا کاهش بیکاری، یا درصد سرمایه‌گذاری‌ای که تعیین شده بود، یا مسئله‌ی کاهش تورم - که من آن روز هم اشاره کردم - تحقق پیدا نکرده. این مسئله ایجاب میکند که ما در دوره‌ی پنجساله‌ی این برنامه تلاشمان را مضاعف کنیم، همتان را مضاعف کنیم تا بتوانیم آن کمبودهای قبلی را هم جبران کنیم.

البته ما در اعلام و ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ یک هدف بزرگی را در نظر داشتیم و داریم که باید ان‌شاءالله دنبال شود. طبق منطوق خود آن اصل، ما بایستی در زمینه‌ی مالکیت دولت و فعالیت اقتصادی دولت تجدید نظر می‌کردیم، و این تجدید نظر انجام گرفت. با چه هدفی؟ با هدف ایجاد یک اقتصاد رقابتی با حضور بخش خصوصی و سرمایه‌ی بخش خصوصی در عرصه‌ی اقتصاد کشور. محاسبه کردند که مبلغ مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در این پنج سال، سالی حدود ۱۶۰ میلیارد دلار است. این از عهده‌ی دولت برنمی‌آید؛ حتماً بایستی بخش خصوصی وارد شود و همکاری کند؛ این باید تحقق پیدا کند.

در زمینه‌ی اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ کارهای خوبی انجام گرفته، لیکن کافی نیست؛ بایستی تحرک بهتری انجام بگیرد. مسئله فقط این نیست که ما بنگاه‌های اقتصادی را واگذار کنیم و بگوئیم واگذار شد، خودمان را خلاص کردیم؛ در کنار این واگذاری، کارهای دیگری لازم است؛ بایستی بخش خصوصی توانمند بشود، باید امکان مدیریت خوب پیدا کند، نظارت برای جلوگیری از سواستفاده باید انجام بگیرد.

#### بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور / ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

یکی از چیزهایی هم که خیلی لازم است، مسئله برنامه‌ی جامع برای رشد بخش تعاون است؛ که ما در همین سیاست‌های اصل ۴۴ روی مسئله‌ی تعاون تکیه کردیم و این باید انجام بگیرد. ما یک سیاست جامع کاملی در زمینه‌ی بخش تعاون لازم داریم. حالا همینی هم که یکی از آقایان گفتند اصناف خرد بتوانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند و چه و چه، در سایه‌ی تعاون کاملا امکان‌پذیر است؛ یعنی بهترین راهش ایجاد تعاونی‌هاست؛ تعاونی‌های منطقی، معقول، قانونی، سالم و قوی. در این صورت میتوانند از امکانات و تسهیلات بهره‌برداری و استفاده کنند؛ و این کار میشود.

#### بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

هر جایی که مسئولین کشور توانایی‌های مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم. هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تامین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم. در همه‌ی مسائل گوناگون کشور، مسئولین باید بتوانند با مهارت، با دقت، با ابتکار، راه‌هایی را برای حضور مردم پیدا کنند - همچنان که در عرصه‌ی بسیار دشوار جنگ این اتفاق افتاد، راه باز شد؛ کسانی توانستند راه را باز کنند - تا هر جوانی، هر پیری، هر مردی، هر زنی که بخواهد در این کار بزرگ شرکت کند، راه برایش باز باشد. در زمینه‌های گوناگون هم میشود، در اقتصاد هم میشود. اقتصاد کشور، تولید کشور میتواند به وسیله‌ی همت مردم، با پول مردم، با ابتکارهای مردم، با انگیزه‌های مردم، چندین برابر شکوفایی پیدا کند. سیاست‌های اصل ۴۴ را که ما تدوین کردیم، بر اساس همین نکته بود. برای آینده‌ی کشور، هدف‌هایی مشخص شده است. ما این دهه را «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» نامیدیم؛ ما سیاست‌های اصل ۴۴ را تدوین کردیم؛ ما چشم‌انداز بیست‌ساله را تدوین کردیم؛ سیاست‌های برنامه‌های پنج‌ساله را تدوین کردیم و میکنیم. همه‌ی این سیاستگذاری‌ها بر اساس واقع‌بینی است. اینجور نیست که یک عده‌ای نشسته باشند و با توهّمات خودشان سیاست پنج‌ساله یا چشم‌انداز بیست‌ساله بنویسند؛ نه، این با واقعیتها تطبیق میکند؛ متکی به واقعیتها کشور است.

خب، اینها هدف‌های تعیین شده است. اگر حضور مردم در این راه‌ها و برای این هدفها تامین شود، این هدفها حتی زودتر از دورانی که در نظر گرفته شده است، حاصل خواهد شد. حضور مردم چه جوری است؟ این، همان نکته‌ی اصلی است. اینجاست که مسئولین باید زمینه‌ها را، مدلها را، فرمولهای عملی و قابل فهم عموم را، فرمولهای اعتمادبخش را برای مشارکت مردم فراهم کنند. در هر بخشی میشود این کارها را کرد. هم قوه‌ی مجریه، هم قوه‌ی قضائیه، هم قوه‌ی مقننه به شیوه‌ی خاص خود میتوانند این را تامین کنند؛ از ابتکار مردم، از فکر مردم، از نیرو و انگیزه‌ی مردم، از نشاط جوانی جوانان ما - که قشر عظیم و وسیعی هستند - میتوانند استفاده کنند؛ این جزو کارهایی است که باید ان‌شالله با سازوکار شفاف از سوی مسئولین انجام بگیرد. البته کارهایی در زمینه‌های مختلف شده است، راه‌هایی باز شده است؛ اما بیش از این میشود کار کرد و حضور همه‌ی مردم را تامین کرد، تا یک جوان، یک پیر، یک صنعتگر، یک مبتکر بدانند که در این حرکت عمومی در کجا قرار میگیرد. همه چیز با یک چنین سازوکاری به سامان میرسد؛ مثل گذشته.

#### بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

وقتی انسان اهداف و آرمانهای نظام اسلامی را نگاه میکند - یعنی جامعه‌ی اسلامی با این خصوصیات - می‌بیند اینها هیچ وقت کهنه نمیشود. انسان همیشه دنبال این آرمانهاست. هرچه هم که حرکت بکند، جا برای حرکت بیشتر وجود دارد. مثلا یکی از آرمانهای شما پیشرفت است. پیشرفت نهایت ندارد، آخر ندارد. «فوق کل ذی علم علیم»؛ هرچه شما دانش داشته باشید، بالاتر از آن، دانشی متصور است. یعنی عرصه، یک عرصه‌ی تمام‌شدنی نیست. پس اینها کهنه نمیشود؛ لیکن در راه رسیدن به اینها، آن حلقه‌ی قبلی، گفتیم دولت اسلامی است. دولت اسلامی، یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی؛ اینها چرا، ممکن است کهنه شود. ممکن است اقتضات در دنیا جوری بشود که این سازوکار، این هندسه‌ی نظام، کامل نباشد، مطلوب نباشد، لازم باشد عوض شود؛ هیچ اشکال ندارد. نظام اسلامی این ظرفیت را دارد. اگر نظامی دنبال آن آرمانهاست، آن آرمانها کهنه‌بشو نیست؛ اما سازوکارها، چینش این نهادهایی که میخواهد ما را به آن آرمانها برساند، قابل نو شدن است.

البته نو شدن به معنای این است که اقتضات بیرونی و واقعیتها گاهی یک چیزی را اقتضا میکند، یک روز چیز دیگری را اقتضا میکند؛ یک نمونه‌ی عملی عینی‌اش همین سیاست‌های اصل ۴۴ در باب اقتصاد است. یک روز تقسیم منابع اقتصادی در کشور به آن شکلی بود که در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است. اسم آوردند؛ این نهادها، این بنیادها متعلق به بخش عمومی است، اینها متعلق به بخش خصوصی است - احصا کردند، مشخص کردند - لیکن در ذیل همین اصل آمده است که این تا هنگامی است که به شکوفایی اقتصاد کشور کمک کند. معنایش چیست؟ معنایش این است که اگر شرایط جوری شد که این تنظیم و این ترتیب به شکوفایی و پیشرفت اقتصاد کمک نمیکند، میتوانند تغییر پیدا کند؛ و تغییر پیدا کرد. این، همان جابه‌جا کردن خطوط هندسی نظام است.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۹۱/۰۵/۰۲

مسئله‌ی اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، میتواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاشهای بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که میتوانند کمک کنند - مثل قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.

#### بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

اعتقاد خود من این است که نگاه اقتصادی در کشور باید عدالت‌محور باشد، و این منافاتی ندارد با آنچه که ما در سیاست‌های اصل ۴۴ بیان کردیم، که یکی از دوستان هم اینجا ذکر کردند. سیاست‌های اصل ۴۴ آنجور که ما گفتیم، ما خواستیم و تشریح کردیم - و من در همین حسینیّه، در همان اوقات یک صحبت مفصلی در این زمینه با مجموعه‌ی مرتبط با این کار کردم - به‌هیچ‌وجه با اقتصاد عدالت‌محور منافاتی ندارد؛ یعنی مطلقا به سرمایه‌داری به آن معنای بد منتهی نخواهد شد. البته به شما عرض بکنم؛ آنچه که در دنیا به عنوان نظام سرمایه‌داری وجود دارد، حقیقت و جوهره‌اش سرمایه‌سالاری است. نفس داشتن سرمایه و به کار انداختن سرمایه برای پیشرفت کشور، چیز بدی نیست؛ چیز ممدوحی است؛ به هیچ وجه مذموم نیست. آنچه که مذموم است، این است که سرمایه و سرمایه‌داری محور همه‌ی تصمیم‌های کلان یک کشور و یک جامعه باشد؛ همه چیز را به سمت خودش بکشد؛ همان بلایی که بر سر بلوک سرمایه‌داری و بلوک غرب آمد، که امروز دارند نتایجش را درو میکنند. این حوادثی که امروز در اروپاست، این فشارهای سنگین اقتصادی که دارد به مردم وارد می‌آید، اینها ناشی از ذات نظام سرمایه‌سالاری است؛ همان سرمایه‌داری زالوصفت است، همان سرمایه‌داری مذموم است. اما اینکه نه، کسانی دارای سرمایه باشند، سرمایه را در خدمت رشد جامعه بگذارند - البته سرمایه‌دار سود هم خواهد برد؛ هم آن کار خوب است، هم آن سود حلال است - هیچ اشکالی ندارد. کار اگر چنانچه با ضابطه‌ی صحیح انجام بگیرد - که نگاه عدالت‌محور اسلام معطوف به این معناست - هیچ اشکالی ندارد. بنابراین کلمه‌ی «سرمایه» و کلمه‌ی «سرمایه‌دار» به هیچ وجه چیز مذمومی نیست.

سعی کنیم نگاه سوسیالیستی و مارکسیستی بر تفکر اقتصادی ما غلبه پیدا نکند. آنها نگاهشان نگاه دیگری است. در نظام سوسیالیستی، نفس سرمایه محکوم است؛ در نظام اسلامی به‌هیچ‌وجه اینجوری نیست؛ سرمایه محکوم نیست، سو استفاده‌ی از سرمایه محکوم است. نمیشود هم کسی بگوید آقا سرمایه طبیعتش سو استفاده است. نخیر، اینجوری نیست. میتوان با مقررات درست، با مدیریت صحیح، سرمایه را در جهت درستی هدایت کرد و راه برد. بنابراین آنچه که ما در سیاست‌های اصل ۴۴ مطرح کردیم، به‌هیچ‌وجه با اقتصاد عدالت‌محور منافاتی ندارد؛ بلکه به یک معنا مکمل و متمم آن است.

### بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۱/۰۶/۰۲

بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرائطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخشهای همین تکیه به مردم است؛ همین سیاستهای اصل ۴۴ با تاکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائطش، استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحبزنان میدهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.

به مردم هم باید واقعا میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفساد اقتصادی است، اشاره شد. واقعا نمیشود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفساد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعا نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتم، که تصور نشود ما میتوانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه با مفساد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه با مفساد اقتصادی موجب میشود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که میخواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدمهای ناسالم پیدا میشوند. باید با چشمهای تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگردد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه مجریه و قوه قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است.

### بیانات در اجتماع مردم بنجورد / ۱۳۹۱/۰۷/۱۹

زیربنای اقتصادی بسیار مهمی، هم از لحاظ قانونی، هم از لحاظ واقعی و عملی وجود دارد. همین سیاستهای اصل ۴۴ جزو زیربنای قانونی است. زیربنای مواصلاتی، ارتباطی، حمل و نقل، جاده‌ها، بزرگراه‌ها، خطوط ریلی و هوایی، فیبر نوری، نیروگاه‌ها، سدها؛ اینها کارهایی است که از اول انقلاب تا امروز انجام گرفته؛ آن هم اغلب نزدیک به همه، به دست جوانان و زیدگان و برجستگان علمی کشور خودمان. اینها چیزهای کمی نیست، اینها را ما به دست آورده‌ایم.

### ابلاغ سیاستهای کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی / ۱۳۹۱/۱۱/۲۴

افزایش سهم بخشهای تعاونی و خصوصی در تولید ملی از طریق:

- تقویت انگیزه و عزم ملی و تاکید و تسریع در اجرای کامل سیاست های کلی اصل ۴۴، رعایت انضباط مالی و بودجه ای دولت

### بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۹۳/۰۹/۱۹

شما در زمینه اقتصاد هم معتقدید که اقتصاد دست مردم باید باشد؛ ما هم عقیده‌مان همین است و در تفسیر اصل ۴۴ این معنا را تبیین کردیم. خوب، معنای آن این نیست که دولت اجازه میدهد یک نفری فعالیت اقتصادی بکند و یک انحصاری را در اختیار بگیرد که این انحصار در نهایت به ضرر مردم است؛ جلوی او را میگیرید شما؛ جلوی انحصار را میگیرید، جلوی تجاوز را میگیرید، جلوی فساد مالی را میگیرید، جلوی سواستفاده از منابع دولتی و عمومی را میگیرید؛ یعنی جلوی این مزاحمت را میگیرید.

### ابلاغ سیاستهای کلی «اقتصاد مقاومتی» / ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد. اکنون با مذاقه لازم و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصا سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می‌گردد. لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم.

### بیانات در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی / ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

قبلا سیاستهای گوناگونی در زمینه‌های اقتصادی ابلاغ شده است؛ مثل سیاست انرژی، سیاست تولید ملی، سیاست اصل ۴۴، سیاست امنیت سرمایه‌گذاری، سیاستهای آب و غیره؛ در آن سیاستها آنچه کانون توجه در هر بخشی بوده است، ارانه‌ی نقشه‌ی راه بوده؛ یعنی خواستیم مثلا در زمینه تولید ملی یا مسئله آب یا مسئله انرژی و امثال اینها نقشه‌ی راهی ارائه بشود که براساس آن، مسئولان، کار خودشان را پیش ببرند. [اما] در این سیاستها تنها مسئله نقشه‌ی راه نیست، بلکه در اینجا شاخصهای درست پیمودن راه هم مطرح شده؛ درست مثل علائم راهنمایی و رانندگی. در بندهای مختلف این سیاستها وظایفی تعیین شده‌است که در واقع این وظایف تضمین‌کننده‌ی درستی حرکت در این راه است؛ یعنی این سیاستها که فراگیر و عمومی و کلی است، در هر بخشی شاخصه‌هایی را مشخص کرده است که در مطالعه بندهای سیاستها، کارهایی که باید انجام بگیرد، مشخص است.

### بیانات در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی / ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

نکته پنجم [از مولفه‌های سیاستهای مقاومتی]، مردم‌محوری است که در این سیاستها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان میدهد، بیانات و معارف اسلامی هم تاکید میکند که هرچا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. ید الله مع الجماعه؛ هرچا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست؛ نشانه و نمونه آن، دفاع هشت‌ساله، نمونه آن خود انقلاب، و نمونه آن گذر از گردنه‌های دشوار این ۳۵ سال [است] چون مردم در میدان بودند، کارها پیش رفته؛ ما در زمینه اقتصادی به این کمتر بها دادیم. سیاستهای اصل ۴۴ را که ما تصویب کردیم و ابلاغ کردیم، برای همین بود؛ البته حق آن چنان‌که باید و شاید ادا نشد. من در همین‌جا همان سالها، در جلسه با مسئولین راجع به سیاستهای اصل ۴۴ صحبت کردم؛ مورد تصدیق همه بود؛ در عمل هم کارهایی انجام گرفت

که بایستی شکرگزار بود، لکن آنچنان که حق آن سیاستها بود عمل نشد. ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیابند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای مترکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد، که واقعا این نیروها هم بی‌شمارند. بنده سالهای متمادی است که سروکار دارم با قشرهای مختلف مردم؛ درعین‌حال گاهی یک چیزهایی برای ما آشکار میشود که من مبینم از اینها هم غافل بودیم. این‌قدر عناصر آماده‌ی به کار، یا دارای مهارت، یا دارای ابتکار، یا دارای دانش، یا دارای سرمایه در کشور هستند که اینها تشنه‌ی کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها میتوانند توان خودشان را به کار ببندند، از آنها حمایت بکند؛ مسئولیت عمده‌ی دولت این است. حالا فعالیت اقتصادی دولت در یک بخشهای ناگزیری، قهرا وجود خواهد داشت؛ لکن باید فعالیت اقتصادی به مردم داده بشود؛ که در این سیاستها مورد ملاحظه قرار گرفت.

#### بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۳/۰۱/۰۱

یک ظرفیت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛ نرم‌افزاری مثل این سیاستهای اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه و امثال اینها؛ اینها زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است، اینها ظرفیتهای یک کشور است.

#### بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

اقتصاد دولتی است. این جزو مسائلی است که اول انقلاب - که این‌هم کار خود ما بود، دیگران به ما تحمیل نکردند - خود ما بر اثر نگاههایی که آن روز وجود داشت، اقتصاد را سپردیم دست دولت؛ حالا هرچه تلاش میشود که اقتصاد منتقل بشود به مردم و داده بشود دست مردم، با برنامه‌ریزی درست که خلاف عدالت هم کاری انجام نگیرد، کار درست پیش نمیرود؛ سخت است. ما سیاستهای اصل ۴۴ را ابلاغ کردیم که معنای آن همین بود که ما اقتصاد را از حالت دولتی بودن خارج کنیم. من در همین حسینه که مسئولین جمع شدند در آن طبقه‌ی بالا، برایشان شرح دادم که ما به چقدر ارز نیاز داریم و این امکان ندارد، به دست نمی‌آید مگر اینکه ما این کار را بکنیم؛ اصل ۴۴ به این شکلی که سیاستهای آن را ابلاغ کردیم عمل بشود.

#### بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۶/۰۱/۰۱

مردم باید در کار تولید [داخلت داده بشوند]. ما سیاستهای اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم، همه‌ی کسانی که در مسائل اقتصادی صاحب‌نظر بودند گفتند این یک انقلاب در کار سیاسی است؛ خوب همین را دنبال کنند؛ مردم را دخالت بدهند. جمهوری اسلامی در کار جنگ و دفاع از کشور - که معمولا کار جنگ و دفاع از کشور و دفاع از مرزها کار دولتها است، کار مردم نیست؛ کار ارتشها است، کار دولتها است - با مدیریت درست و با گزینش‌های صحیح توانست مردم را بسیج کند، وارد این میدان کند و جنگ را ببرد. وقتی مردم در کار دفاع از مرزها وارد میدان شدند - کاری که مربوط به دولتها و مربوط به ارتشها است - توانستند پیش بروند؛ بسیاری از برجستگان نظامی ما، مردمی و بسیجی‌اند؛ بسیجی بودند و بسیجی هم مبارزه کردند، بسیجی هم شهید شدند؛ خوب کار اقتصاد به طریق اولی [همین‌طور است]. کار اقتصاد یک کار مردمی است؛ اگر در زمینه‌ی مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش‌آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقینا پیش خواهد رفت.

#### بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۶/۰۲/۲۳

اجرای درست اصل ۴۴ که در این دولت و در دولت قبل، آنچنان که شایسته و بایسته اجرا نشده است؛ نه در این دولت درست اجرا شده، نه در دولت قبل درست اجرا شد. در [اجرای] این اصل ۴۴ که سپردن مسئولیتهای اقتصادی به بخش خصوصی است، با شرایط خاصی که معین شده و سیاستهای اعلام شده است و قانون هم برایش وضع شده، باید جریان عقب‌ماندگی‌ها بشود. این کاملا کمک خواهد کرد به اقتصاد داخلی.

#### بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها / ۱۳۹۶/۰۲/۳۱

مسئله‌ی اصل ۴۴ را - که تقویت بخش خصوصی و واردکردن بخش خصوصی و سرمایه‌های بخش خصوصی در اقتصاد کشور است - ما چندسال پیش مطرح کردیم، همه به به و چه کردند، کارهایی هم انجام گرفت؛ اما خوب تحقیقش را نمی‌بینیم؛ من احساس نمی‌کنم پیشرفت کار را. نه اینکه نمی‌خواهند، می‌خواهند، تلاش هم میکنند، منتها پیش نمیرود؛ اشکال علمی وجود دارد، من این را می‌خواهم بگویم. نقشی که دانشگاه میتواند ایفا کند این است که گره‌های علمی را در این زمینه‌ها جستجو کند، بشناسد و باز کند و در اختیار دستگاه‌های کشور بگذارد.

#### دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت با رهبر انقلاب / ۱۳۹۶/۰۶/۰۲

رهبر انقلاب اسلامی، اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ را از دیگر سرفصل‌های مهم اقتصاد برشمردند و با انتقاد از پیش نرفتن کارها در این زمینه، گفتند: در بسیاری از موارد، سیاست‌ها و مشکلات روشن است، و تصمیمات خوبی هم گرفته می‌شود اما کارها آنچنان که باید و شاید پیش نمی‌رود که این واقعیت نشان می‌دهد مشکل اصلی در اجرای تصمیمات است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دست به دست شدن بنگاه‌ها و مراکز اقتصادی در بخش‌های مختلف دولت را بی‌فایده خواندند و افزودند: باید با اجرای صحیح سیاست‌های اصل ۴۴، دولت از تصدی‌گری به تنظیم‌گرایی، تغییر وضعیت دهد و با مشخص کردن راه‌ها و سیاست‌ها، نظارت و نظم را اعمال کند.

#### بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۷/۰۲/۰۲

نکته‌ی دیگر در زمینه‌ی اقتصاد این است که اقتصاد دولتی جواب نمیدهد؛ مردم را باید وارد کرد، سیاستهای اصل ۴۴ را باید جدی گرفت. به دولت قبل هم من همین حرف را میگفتم، به دولت جناب آقای روحانی هم همین را مکرر گفته‌ام، باز هم می‌گویم؛ سیاستهای اصل ۴۴ را باید جدی بگیرید، باید بخش خصوصی را وارد میدان بکنید، باید کمک کنید به بخش خصوصی؛ این «صندوق توسعه‌ی ملی» برای همین است. همین‌که حالا آقای دکتر روحانی اشاره کردند که یک مقداری از پول ارز و درآمد ارزی به دولت داده نمیشود، این یعنی می‌رود داخل صندوق توسعه‌ی ملی. این صندوق توسعه‌ی ملی در اختیار دولت است و هیچ چیز این در خارج از دولت نیست؛ خود صندوق در اختیار دولت است، مسئولین صندوق را دولت نصب میکند، سیاستهای صندوق، برداشت از صندوق، همه‌چیزش دست دولت است ... این صندوق مهم است و توصیه‌ی موکد ما این است که این صندوق را برای مصارف جاری و هزینه‌های جاری کشور نباید صرف کرد؛ این فقط بایستی در اختیار فعالان اقتصادی بخش خصوصی قرار بگیرد برای اینکه بتوانند کار کنند.

#### بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۸/۰۲/۲۴

یکی مسئله‌ی مداخلات غیر لازم دستگاه‌های حکومتی در امر اقتصاد است؛ این هم یکی از مشکلات ما است. اصلا سیاستهای اصل ۴۴ برای این بود که این باب بسته بشود؛ کارهایی هم شده لکن نه، آن کاری که باید انجام بگیرد در این زمینه، انجام نگرفته. دولت نقش نظارت و مراقبت و هدایت باید داشته باشد در فعالیتهایی که لزوم [ندارد وارد بشود]؛ حالا در بعضی از فعالیتها ناگزیر دولت باید وارد بشود و کسی غیر دولت نمیتواند، اما در بسیاری از اینها هم [لازم نیست]؛

یکی این است.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

یکی از دوستان گفتند «جلوی خصوصی‌سازی گرفته بشود». البته خطاهای بزرگی در زمینه خصوصی‌سازی انجام گرفته که این برادرمان هم به این خطاها اشاره کردند و بنده هم مکرر تذکراتی داده‌ام که بعضی جاها اصلاح شده، بعضی جاها جلوی یک کاری گرفته شده. اشکالاتی در کار خصوصی‌سازی هست منتها اصل خصوصی‌سازی، نیاز مبرم اقتصاد کشور ما است؛ این جزو همان مواردی است که ساختار را -که اول وجود نداشت- تکمیل میکند. ما از اصل مربوطه در قانون اساسی استفاده‌ای کردیم، آن استفاده را اعلام کردیم، هم‌همی صاحب‌نظرها از همه جهت تأیید کردند، گفتند چیز خوبی است و واقعا هم چیز خوبی است، جلوی‌ش را نباید گرفت، منتها در عمل، مثل خیلی از کارهای دیگر اشکالاتی وجود دارد و خطاهایی انجام گرفته، بی‌توجهی‌هایی شده؛ شاید در این زمینه لغزشهایی صورت گرفته، باید جلوی لغزشها را گرفت. آنچه وظیفه ما است، این است که جلوی لغزشها را بگیریم.

#### بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی / ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

در مورد فعالان اقتصادی که شماها باشید، یک کلمه فقط عرض میکنم که مخاطب سیاستهای اصل ۴۴ شما هستید؛ اصلا مخاطب این مسئله اصل ۴۴ و آن چهارچوب کذائی آن که ما این را آمدیم با نگاه قانونی، با نگاه حکمت‌آمیز باز کردیم و سیاستهای اصل ۴۴ را بیان کردیم برای مردم، تبیین کردیم برای مردم، شما هستید. البته آن روزی که این سیاستها ابلاغ شد، همه تأیید کردند؛ یعنی من آن روز یادم نمی‌آید که حتی یک نفر از کسانی که جزو منتقدین اقتصادی‌اند، صاحب‌نظران اقتصادی‌اند، اعتراض کرده باشند؛ همه تأیید کردند، همه گفتند کار درستی است و همین هم هست، درست بود، مسئولین دولتی هم همین جور. البته درست عمل نشده؛ اینکه به بهانه اصل ۴۴، فلان کارخانه را بدهند به یک آدم سواستفاده‌چی که کارخانه را برچیند و برج بسازد، تقویت بخش خصوصی نیست؛ و همین هم چقدر فضا را خراب کرد. در بین فعالان اقتصادی و آن کسانی که شرکتهای دولتی به اینها داده شده، شاید یک درصد هم آن جور کاری نکردند، بقیه سالم عمل کردند، اما همان یک درصد وقتی گفته شد، تکرار شد، دنبال شد، موجب این شد که یک بدبینی‌ای به وجود بیاید که «چرا این جور است». من به شما عرض بکنم مخاطب شما هستید؛ سیاستهای اصل ۴۴ برای شما که فعال اقتصادی هستید، هم حق ایجاد میکند، هم تکلیف ایجاد میکند؛ مسئولیت دارید؛ بروید قضیه را دنبال کنید.

#### بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی / ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

سیاستهای اصل ۴۴ مسئله جایگزینی بخش خصوصی به جای بخش دولتی نبود؛ بخش خصوصی شانی دارد، بخش دولتی هم شانی دارد؛ اینها باید به هم کمک کنند، مزاحم هم نباید باشند. ما گفتیم «بخش دولتی مزاحم بخش خصوصی نباشد»؛ یعنی چه؟ یعنی آن کاری را که سرمایه‌ی بخش خصوصی میتواند انجام بدهد، بخش دولتی وارد آن نشود؛ اگر هم هست، بکشد کنار، بگذارد در اختیار بخش خصوصی؛ اینها بشوند مکمل هم. اما معنایش این نیست که بخش دولتی بکلی از فعالیتهای اقتصادی کنار میرود؛ نه، یک کارهایی هست که جز بخش دولتی یا بخشهای عمومی غیر دولتی، کس دیگری نمیتواند انجام بدهد؛ باید وارد بشوند آنها را انجام بدهند، همان طور که عرض کردیم.

#### بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۱

در مورد مشکلات خصوصی‌سازی‌ها فعالیتهای خوبی از طرف تشکلهای دانشجویی انجام گرفت که بعضا به نتیجه‌هایی هم رسید و ان‌شاءالله بیشتر هم به نتیجه خواهد رسید؛ و این حرکتی که جوانها و تشکلهای در مورد مشکلات خصوصی‌سازی انجام دادند خیلی خوب بود. البته در باب خصوصی‌سازی در این اظهارات آقایان نظراتی بود که ممکن است ما با بعضی از آنها موافق باشیم، با بعضی از آنها هم موافق نیستیم! خصوصی‌سازی کار بسیار خوبی است به شرطی که خوب عمل بشود؛ مشکلات، ناشی از خوب عمل نشدن است، نه اینکه خود سیاست خصوصی‌سازی سیاست غلطی بوده. پس بنابراین حرکت دانشجویی و حرکت تشکلهای به نظر من یک حرکت بسیار خوبی است.

